

حاج سید ابراهیم - این راپورت سابق از کمیسیون بودجه آمده است چرا بکمیسیون دیگر برود.

رئیس - حالا میخواهید بکمیسیون بودجه برود و بکمیسیون دیگر نرود اهمیت ندارد دستور مجلس هم تغییر نمی کند همانطور که بوده است - دستور سه شنبه ۱۸ قانون قبول و نکول بروت - لایحه استقراض - قانون پستی پنجشنبه ۲۰ - قرارداد خالصجات شنبه ۲۲ - قانون استخدام - بقیه قانون ثبت اسناد.

رئیس - مخالفی نیست؟
حاج عز الملک - کنترات مسیو مولیتر که معاون وزارت پست تقاضا کرد در این هفته جزء دستور باشد اگر مخالفی نباشد جزء دستور این هفته با هر روزی را که صلاح میدانید بگذارید.
رئیس - اگر قبل از روز سه شنبه رسید که جزء دستور سه شنبه میگذاریم والا جزء دستور پنج شنبه می شود.

(مجلس نیم ساعت از شب گذشته ختم گردید)

جلسه ۲۳۶

صورت مشروح روز سه شنبه ۱۸ شهر ربیع الثانی

مجلس سه ساعت و نیم قبل از غروب بریاست آقای مؤتمن الملک افتتاح و سه ساعت و ربع قبل از غروب رسماً منعقد شد.

آقای معاضد الملک صورت مجلس یوم شنبه ۱۵ را قرائت کرد.

(اسامی غائبین جلسه قبل بترتیب ذیل قرائت شد.)

آقایان: دکتر امیر خان - اسدالله خان کردستانی - دهخدا - حاجی امام جمعه بدون اجازه آقایان: آقا شیخ رضا - حاجی شیخ علی آقا شیخ ابراهیم با اجازه غائب بودند.

و آقایان: ذکاء الملک و آقا سید محمد باقر ادیب نیم ساعت و حاج آقا چهل و پنج دقیقه بعد از موقع مقرر حاضر شدند.

دکتر امیر خان - بنده در جلسه قبل حاضر بودم آقای رئیس بنده را برای کار مخصوصی فرستاده بودند تعجب میکنم با وجود این بنده را غائب نوشته اند و با دارة مباشرت اطلاع نداده اند.

رئیس - صحیح است فراموش شده و اصلاح می شود. آقایان معاضد السلطنه و آقای آقا شیخ محمد خیابانی از کمیسیون داخله استعفا داده اند و آقای معز الملک هم چون در سه کمیسیون انتخاب شده اند باین جهت از کمیسیون نظام استعفا داده اند در جلسه آینده باید بجای ایشان هم انتخاب شود - راپورت شعبه سیم در باب نماینده قایمات است آقای منتصره السلطان خودتان باید بخوانید.

(آقای منتصره السلطان راپورت شعبه سیم را بعبارت ذیل قرائت کردند.)

بتاریخ یکشنبه ۱۶ ربیع الثانی شعبه سوم در تحت ریاست آقای آقا شیخ ابراهیم زنجانی تشکیل در خصوص اعتبار نامه معدل الدوله که در شعبه سابق برصحت آن رأی داده شده و بواسطه مکاتیبی که رسیده بود و محتاج بتجدید نظر بود رسیدگی و تحقیقات بعمل آمد شکایت بهیچوجه قابل توجه نشده مجدداً

رأی گرفته با اکثریت قبول وصحت اعتبارنامه تصویب شد
رئیس - چون عده برای اخذ رأی کافی نیست میماند بآخر جلسه رأی میگیریم دستورا امروز قانون قبول و نکول بروت و لایحه استقراض و قانون پستی است عجلتاً شروع میکنیم بقانون قبول و نکول بروت (در اینموقع ارباب کیخسرو بودجه مجلس رازی میز رئیس گذاشت).

رئیس - بودجه سنه تنگوزئیل و حساب سال ایستیل مجلس است که آقای ارباب پیشنهاد کرده اند هر دو بکمیسیون محاسبات رجوع میشود بعد راپورتش بمجلس داده خواهد شد در باب قانون قبول و نکول بروت بنده چون تکلیف خودم را نمیدانم استدعا میکنم تکلیف من را معلوم فرمائید چون این قانون قبول و نکول بروت پارسال از مجلس گذشته است و وزارت عدلیه با وزارت تجارت بعضی اشکالات در او ملاحظه کرده و به مجلس فرستاده بودند بکمیسیون رجوع کردید حال این اصلاحات که کمیسیون عدلیه کرده است در واقع حالت یک قانون جدیدی را پیدا کرده است و باید مطابق قانون دوشور در آن شود منتها در تمام مواد دوشور نخواهد شد در هر ماده که اشکالی پیش آمده و اصلاحی شده است دوشور می شود حالا ممکن است بعضی از آقایان عقیده شان این باشد که یک شورشور حالا با آقایان است اگر آقای مخبر هم عقیده ای دارند بفرمائید تکلیف معلوم شود.

مخبر کمیسیون عدلیه (آقا شیخ ابراهیم) چون این مسئله مهمی است بنده خاطر آقایان را مسبوق میکنم که سهولت رأی بدهند چون مادر این قانون نوشتیم باب بروت با بحواله است.

رئیس - در باب یک شورشور دوشور را گرفتار می فرمائید.

آقا شیخ ابراهیم - البته باید دوشور شود چون استیفای جدیدی است من تصور کردم توضیحی میخواهید بدهم

رئیس - در کلیات این قانون مخالفی نیست؟ (اغلب اظهار کردند مخالفی نیست)

رئیس - حالا که مخالفی نیست رأی میگیریم که داخل دوشور مراد شویم.

لواء الدوله - بنده عقیده ام این است که موادی که گذشته است از مجلس سابق و در آنها اصلاحی نشده است آنها شورش لازم نیست فقط در موادی که اصلاح شده است باید مذاکره کرد که یک سال باید باشد یا دو سال.

رئیس - همین طور هست حالا رأی میگیریم آقایانی که موافقتند با اینکه داخل دوشور مواد شویم قیام نمایند. (تصویب شد بخوانید.)
(ماده اول از راپورت کمیسیون بعبارت ذیل خوانده شد.)

ماده اول - امضاء بروت کننده دلیل اشتغال ذمه او است لهذا هر گاه پس از بروت کردن آنکار مدیونیت کند از او پذیرفته نخواهد شد.

حاج امام جمعه - خاطر مبارک آقایان خاصه آقایانی که اهل علمند بخوبی مشهود است که

بعضی امضاء کردن بروت این امضاء دلیل بر اشتغال ذمه نمی شود به بعضی بروت کردن که به آدمش یا به یک شخصی که طرف او است بنویسد که فلان مبلغ پول بفلان شخص بده این دلیل نمی شود که ذمه اول مشغول است لکن در اغلب بروت معمول است منی بنویسد که من فلان مبلغ پول از فلان آدم گرفتم شما بفلان آدم بدهید این در واقع اقرار است بگرفتن پول اشتغال ذمه خودش اگر بعد انکار کرد چون انکار بعد از اقرار مسموع نیست ذمه او مشغول است اینکه بنده بنظرم اینطور میآید با آقایان هم شور کردیم که نوشته شود چون شخص بروت دهنده در بروت خود تصریح به اخذ وجه آن می نماید لذا اگر بعد از بروت کردن انکار مدیون بودن خود را نماید پذیرفته نخواهد شد امامین بفرمائید نوشته است بآدمش که همینقدر پول بفلان آدم بدهید دیگر نمی نویسد که من گرفته ام شما آنجا بدهید اگر اینطور بنویسد این امضاء سبب اشتغال ذمه نمیشود پس اینکه در ماده اول قانون نوشته شده است قدری اعم است در مدعا این است که چیزی که بنده بنظرم میآید و با آقایان شور کردیم این ترتیب بهتر بنظر آمد گرچه آنچور بروت که نوشته باشد که من این پول را گرفته ام خیلی کم است لکن قانون باید محیط باشد بتمام افراد خودش و بدقت ملاحظه کرده باشد جزئیاتی که در آن قانون واقع میشود پس اینطور نوشته شود بهتر است.

آقا شیخ ابراهیم زنجانی - نظری که آقا

فرمودند نظر صحیحی است و لکن هر گاه بروت چنین چیزی باشد که من پول را گرفتم بدهید او دیگر این قانون را نمی خواهد پس از آنکه نوشت من فلان پول را گرفتم شما بدهید این دیگر قانون نمی خواهد این دیگر انکار ندارد چطور انکار میکنند در این صورت باید بدهد این شکی ندارد اگر قبول نکنند پذیرفته نخواهد شد این قانون از برای مطلق بروت است که حواله میکند کسی که فلان قدر پول بدهد و یک پول هم گرفته است و این حواله را کرده است اگر نداد مشغول الذمه کیست اینماده برای این است که آنکه پول را گرفته و حواله داده است مشغول الذمه است چون در خارج کسی که پول نگرفته است گاه میشود حواله به اطمینان اینکه بعد پول بگیرد اگر اینطور باشد صحیح است و اهم است اما اگر چنین قانونی وضع کردیم که هر گاه کسی بروت را نوشت این دلیل گرفتن است و دلیل اشتغال ذمه او است آن وقت او تا پول نگرفته است بروت نخواهد داد یعنی حواله نمیکند والا اگر بنا باشد وقتی که حواله میکنند بنویسد که من این پول را گرفته ام در این صورت دیگر اینماده را لازم ندارد باید بدهد و دیگر نمیدهم معنی ندارد اینکه اینماده را نوشتید برای اینست که اینماده قانونی ملزم کند بر اینکه خودشان را مشغول ذمه بدانند و پول را گرفته حواله بدهند و خودشان را ملزم بدانند که بعد از گرفتن پول حواله بدهند نگرفته حواله نکنند والا اگر نگرفته حواله بکنند بدانند که در صورتی که پول به او نرسد باید بدهد بجهت اینکه این حواله نوشتن دلیل بر اشتغال ذمه او خواهد شد.

آقا محمد - همانطوری که آقای حاج امام فرمودند که تا اقرار نکنند نمی توان حکم ب اشتغال ذمه او کرد بنده هم موافقم و به علاوه عرض می کنم قطع نظر از این که در بروت اقرار باخذ وجه کرده باشد یا نکرده باشد خود آن می بینیم مخصوصاً

او واقعت هم نداشته باشد ملزم میکنند اورا بمدیونیت حالا باید دید که این مفهوم کلی باو اطلاق می شود یا نه معلوم است که اطلاق شود و این را اقرار میکنند و همانطور که آقای حاجی امام جمعه فرمودند انکار بعد از اقرار هم مسموع نخواهد بود

مهمین الرعايا - بنده اولاً خیلی افسوس دارم که قانون قبول و نکول بروات با آن متانت سابقاً از مجلس گذشت ما چرا با این مواد میخواهیم آنها را نقض کنیم و گمان میکنم برای اینکه این مواد که میخواهد از مجلس بگذرد مجبور شویم در آتیه با یک بانه برای اجرای همین مواد از مجلس بگذرانیم اما این مواد تقریباً مدیون همان ماده بود که پارسال گذشته است و اگر لابد باشد از گذراندن این ماده تصور میکنم آن اظهاری را که آقای حاج امام جمعه کردند بهتر است بجهت اینکه اتفاق می افتد که نمی نویسند پول را گرفته ام و معمول در بروات اینست که می نویسد مثلاً من هزار تومان از عمر و گرفته ام اقرار میکنم در برات که این وجه را گرفته ام - اگر بخواید اولی را بهم بنویسند این را معمول بنویسند بهتر است.

بجهت - تا امروز کیفیت برات کردن در مملکت ما اشکال مختلف داشته است یعنی هر کسی که برات میکرده است یک قسمتی برات میکرده است و از امروز ما میخواهیم یک کاری بکنیم که وقتی کسی برات کرده مدیون باشد یعنی یک قانونی بنویسیم که مردم بدانند که کسی که برات کرده باید ملزم باد آن باشد و این ماده متکفل همین معنی باشد یعنی مردم بفهمند که چه قسم حواله بدهند و برات بکنند این تکلیفی که آقای حاج امام جمعه فرمودند صحیح است که اگر کسی بنویسد که من اخذ این وجه را کرده ام و اقرار بمدیونیت بکنم این صحیح است در این صورت ملزم است به ادا اما لکن یک قطعی نکرده است مسئله را یعنی مملکتی است حواله کننده تصریح بکنند برات بکنند بمدهم هم نباشد چون اقرار نکرده است حواله می دهد بطرف خودش که فلانقدر رسیده پول بآن کس آن وقت این قانون قبول و نکول بروات شامل آن نیست پس ما باید چه بکنیم که این مواد را هم شامل باشد بجهة اینکه این ماده را اگر بنویسیم حکم آن شق را نکرده یعنی در صورتی که اقرار نکرده است پس ما باید چه بکنیم باید بگوئیم که دولت از این بعد امضاء را اقرار می داند حالا این مردم اگر پول را گرفته اند امضاء میکنند اگر نکرده اند نمی کنند و دولت از برای اینکه کلیه بروات یک انتظامی داشته باشد میگوید هر کسی براتی را امضاء کرد ما امضای او را جای اقرار می دانیم این چه فایده میکند این فایده را میکند که برات کنندگان ما را پول نکرده اند تا سند نکرده اند یا اطمینان کلی حاصل نکرده اند حواله نمیکنند و البته در میان این مواد هم ممکن است قید بکنیم که وقتی برات بکنند که اطمینان از طرف مقابل داشته باشند یعنی خیال خودش را از هرجهت آسوده کرده باشد یعنی پول گرفته باشد با کمال اطمینان پیدا کرده باشد بطوری که مثل این باشد که پول را گرفته باشد حالا ممکن است در آنجا قید کنیم که هر کس برات میکند حتماً باید در براتش اقرار بکنند که این پول بمن رسیده تا اینکه امضای او را بمنزله اقرار بدانیم والا اگر

دو سال يك مبلغ زیادی بگیرد از مردم و حواله بدهد و آن شخصی که طرف این بوده و باو حواله کرده برود بی کارش و آنوقت این شخص که حواله کرده بکلی خودش را از این ضمانت خلاص کرده است و اینکه این پول را گرفته می رود بی کار خودش اگر ما تمام الزام و مهادت را بدهد او بیاندازیم و پول گیرنده را مسئول ندانیم و تجار هم دچار خیلی زحمات و اشکالات می شوند و این هم يك چیز خیلی نادری نیست خیلی زیاد است و بنده آن چه که در معامله جات تجربه کرده ام و خیلی اسباب استحکام است این است که تمام الزام ها را بعهده گیرنده پول در محل بیندازیم و هیچوقت قبولی نویسنده را محل اعتبار قرار ندهیم و الزامی بعهده او وارد نیآوریم این بروات فرضاً از سه روز تاسی و یکروز وعده دارد در آمدت فرضاً که قبولی نویسنده قبولی هم نوشته و بعد پرداخته يك الزامی برعهده او وارد است این را بنده بکلی مخالفم و رد می کنم که آن قبولی نویسنده را ما دخالت بدهیم و از مسئولیت آن شخص پول گیرنده بکاهیم و ما باید او را مسئول بدانیم تا آن پول گرفته نشده تمام مسئولیت بعهده کسی است که پول را گرفته تکلیف ما این است که ثابت نگاه داریم و او را مسئول بدانیم تا آن روزی که پول نرسیده است مثلاً پول از جایی گرفته ایم مثل شیراز و حواله ببنده شده است قبولی هم نوشته ام آنوقت بعد از قبولی نوشتن ندارد آنوقت يك اظهاری بیکجائی می شود مثلاً بیکر و تستی هم میشود آنوقت برات را بر میگردانند از آنکه پول را گرفته بایک خسارتی که وارد شده است پس میگیرند و هیچ اهمیتی بآنکه قبولی نوشته نمی دهند و ما هم مطابق قوانین شرعی اگر رفتار کنیم دچار هیچ اشکالی نمیشویم که این شخص که این برات را داده است مدیون بدانیم و هیچ بطرفهای دیگر متوجه نباشیم مسئله دیگر اینکه شخصی که برات میدهد بعضی برات دادن آن را مشغول الذمه بدانیم یا بدانیم او را آقای حاج امام جمعه فرمودند شما هم بخواید تا کید کنید تا آخر قانون می توانید تا کید کنید که هیچکس حق ندارد بدون اینکه پولی گرفته باشد در برات بنویسد که گرفتم ما آن نوشتن در برات را ثابت بی شود می دانیم این کفایت میکند جای او را میگیرد اما بنده اینکه قبولی نویسنده را مشغول الذمه قرار بدهیم صحیح نمی دانم و يك امر غیر قابل الاجراء میدانم.

آقا شیخ ابراهیم زنجانی - بنده نفهمیدم آیا بکجا بر خورد صحبت های آقای وکیل الرعايا صحبت در قبول و قبولی نویسنده نبود در ماده اول مذاکره بود ماده اول این بود که برات کننده برات کرده است بموجب آن براتش مشغول ذمه است نمی تواند بگوید که مشغول الذمه نیستم برعهده من نیست ابداً این ماده نظر بقبولی نویسنده ندارد.

حاج سید ابراهیم - بنده میخواستم عرض کنم این بیان آقای حاج امام جمعه خیلی صحیح است که انکار بعد از اقرار مسموع نیست اما باید دید که اقرار را عرفاً به چه میگویند مثلاً تلگراف در لسان شرع نیست بجهت اینکه سابقاً نبوده است حالا اگر کسی تلگرافی میکند همه میگویند که اقرار کرده است و اقرار هم مستلزم باشغال ذمه واقعی نیست کسی نگفته است کسی که اقرار میکند مستلزم این است که واقفاً مشغول الذمه باشد ولی کسی که اقرار کرده خود اقرار

خیالی از بروات قرض می شود یعنی حواله دهنده بروات دهنده حواله می کند که تا يك ماه دیگر آنرا بدهم بامید این که در این مدت پول را بگیرد پس فقط برات دلیل نمی شود صراحتاً پس اشتغال ذمه حواله دهنده و این را که آقای مخیر می فرمایند بعد از این که این قانون را وضع کردیم آنوقت امضاء حواله کننده را دلیل بر اشتغال ذمه او قرار می دهیم عرض می کنم اولاً ما نمی توانیم قانون مخالف قوانین شرعی بنویسیم و چیزی را که حواله کرده اند بگوئیم اشتغال ذمه می آورد این را نمی توانیم بگوئیم بجهة این که امور خنق با جبار نیست می بینم کلیه نمی توانیم این را تصویب کنیم که مجبور شوند پول بگیرند بعد برات کنند بجهة این که يك مرتبه می بیند که پول ندارد امور تجارتنی هم مخصوصاً نصفش بهمین طریق می گذرد چنین نیست که همیشه پول موجود داشته باشند اغلب بنسبه این معاملات واقع می شود و ما نمی توانیم مجبور کنیم اینها را که حتماً پول بگیرند و برات کنند از آنطرف وقتی که امضاء کردند فقط امضاء آنرا دلیل اشتغال ذمه او قرار بدهند چون مخالف شرع است پس بنده موافقم با آنچه که آقای حاج امام جمعه فرمودند و همانطور صحیح است.

آقا شیخ ابراهیم زنجانی - بنده گمان ندارم کسی که حواله کند بفلان آدم که فلانقدر پول بدهد باین شخص و نه از او پول گرفته باشد نه قبض گرفته باشد یا این که باو مدیون نباشد و این وجهی را که حواله می کند در اداء دین خودش باین شخص حواله نکرده باشد يك چنین چیزی نمی شود که حواله بکنند و هیچ يك از اینها را نکرده باشد لا اقل يك دست گردانی می کند حالا این ساده برای اینکه قبل از اینکه برات بکنند یا پول از او بگیرد یا سندی با چیز دیگری از او بگیرد آنوقت با اشتغال ذمه حواله بکنند که هرگاه حواله کرد دیگر نتواند بگوید من مشغول الذمه نبودم و اگر آنطور باشد که قید بکنند که من فلان قدر پول گرفته ام تو بده آن مثل يك سندی است دیگر قانون حداکانه لازم ندارد.

حاج وکیل الرعايا - مقصود از این کار این است که اجرا را در مصلحت نگذارند و تکلیف او را یعنی تکلیف قوه مجریه پیش پیش معین شده باشد اگر بنده در مجلس يك نفر موافق هم نداشته باشم لابد هم عرض آقایان برسانم شاید التفات فرموده موافقتی حاصل شود گمان می کنم اگر مراضی می شدیم که تمام مهادت را بر گیرنده وجه قرار می دادیم یعنی آن کسی که پول می گیرد و حواله می دهد بعهده او قرار می دادیم هیچ دچار اشکالات نمی شدیم و اگر این مطلب مختصر توضیحی لازم دارد آنرا عرض کنم که توجه فرمایند شاید مراضی بنده بر بی ربط نباشد ممکن است يك شخصی يك پولی بگیرد و دیگری را هم بيك مجلسی بفرستد آن شخص هم چندان مقید بشرف و آبروی خود نباشد يك سال دو سال برود بيك جایی بماند و در آن مدت هم خوش حسابی بمردم نشان بدهد بعد از یکسال

مابخواهیم بگوئیم که اقرار او بمنزله مدیونیت است این قانون شامل تمام افراد برات نیست و مجملی ماند

افتخار الواعظین - گویا چیزی که در مملکت مجلس شورای ملی و اولیای امور را مجبور میکند بوضع این قانون این فقره است که بعضی اشخاص که هنوز پول برات را نگرفته، بواسطه اعتبار آن شخص یا بجهت دیگری يك براتی دست اومی دهیم و آن برات گیرنده برات را که بگیرد و آنوقت بواسطه اینکه در آن مدتی که قرار داده است به آن شهر متلاصق بماند پول را به آن برات دهنده برات گیرنده برساند و رساننده است برات کننده تکلیف میکند بدهمان که ندهید برات را بجهت آنکه هنوز وجهش بمن نرسیده است یا این که پول پیش آنطرف ندارد و طرف برات را نکول میکند اینجا چیزی که ما را مجبور می کند ب نوشتن این قانون آن است که بعضی اشخاص پس از برات دادن مدعی می شوند که اشغال ذمه از برای ما حاصل نیست و وجه این را من نگرفته ام مابخواهیم يك قانونی بنویسیم که کسی که برات کرد نتواند بگیرد وجه این را من نگرفته ام و اشغال ذمه ندارم و این بصرف امضای برات اشغال ذمه نخواهد داشت بجهت اینکه می تواند دعوای او را در یکی از محاضر شرعیه طرح نماید یا در یکی از مجامع عرفیه بیان این دعوی را نماید و بگوید من که میگویم اشغال ذمه ندارم برای این است که من گفتم من برات را می نویسم بشما میدهم بوعده پانزده روز اگر بعد از ده روز پول بمن نرسید من نکول می کنم پس آن حق را اودارد و نمی شود فقط امضای او را دلیل اشغال ذمه او قرار داد حالا در آن موقع همین پیشنهادی که شده است بهترین پیشنهاد ها است که باید مجبور کنیم آن شخص برات دهنده را که نباید برات بدهد اگر بعد از آنکه پول بگیرد پس از آن که پول گرفت و برات نوشت بنویسد که من فلان قدر پول گرفتم شما بدهید بفلان شخص این مجبور می کند آن شخص را که تا پول نگرفته است برات ندهد بلی ما هم همین را می خواهم که تا پول نگرفته اند برات ندهند و اگر نوشت که فلان قدر پول من گرفتم شما بدهید بعد انکار کرد که من نگرفته ام از او مسموع نخواهد بود این بهترین علاجهاست برای اینکار بلی بعضی آقایان می توانند این ایراد را بکنند که این قدری سبب تجارت را می کند یعنی آن اندازه که امروزه تجارت بصرف اعتبار برات می کنند این ماده مجبور می کند که تا پول نگیرند برات ندهند ما هم همین را می خواهم که آن شخص تا پول نگرفته است حواله ندهد و رفع تمام این اشکالات همین اصلاحی است که آقای حاج امام جمعه پیشنهاد کرده اند و چون پول گرفته است و برات داده است بهیچوجه نمی تواند انکار اشغال ذمه خود را نماید و دعوی عدم اشغال ذمه از او پذیرفته و مسموع نیست و محاکم عرفیه عدلیه او را نگاه می دارند و پول را از او می گیرند و بهترین ترتیبات از برای جلوگیری از این تقلبات و اصلاح این کار این اصلاحی است که آقای حاج امام جمعه کرده اند .

وزیر عدلیه - بنده از این مذاکرات چنین استنباط می کنم که آقایان همچو تصور می کنند که اینجا در باب برات دهنده مذاکره است که تماش از جهت برات دهنده مذاکرات می فرمایند لکن بنده مجبور هستم چون جزئی اطلاعی دارم اطلاع خودم را عرض کنم در ماده اول قانون سابق قبول و نکول برات نوشته شده بود که باب برات باب حواله است و بموجب این ماده اول مجبور کرده بودیم آن قبولی نویسنده را که بعد از آنی که قبولی نوشت باید حتماً تأدیبه وجه را بکند بعد این قانون که از مجلس گذشت و در وزارت عدلیه بموقع اجرا گذاشته شد چهار چهار اشکالات زیاد شدند بخصوص وقتی که برات ایران رفت بخارج این بود که عرض عالی داده وزیر عدلیه آن زمان مجبور شد که بمجلس پیشنهادی بکنند و تفسیر این ماده را بخواهد قضیه ای که پیش آمده بود این بود که يك شخصی در طهران يك براتی گرفت و این برات همینطور با بادی مختلفه رفت بیاریس درباریس این برات را ابتداء قبولی نوشتند و بعد نکول کردند و گفتند نمی برداریم این هم ممکن است بجهت اینکه برات را در تجارت باعتبار آن تجارتخانه ای که نوشته است قبول می کنند بعد می گویند که بفلان هلت نمی توانیم برداریم مثل اینکه در این مورد هم قبول کرده بود بعد نوشته بود که من بواسطه اینکه فلان مال التجاره بمن نرسیده است نمی توانم این وجه را بدهم و نمی دهم بعد که آن برات نکول شد بهمان ترتیبی که در خارج معمول است برگشت تا رسید اینجا اینجا بموجب آن قانونی که از مجلس گذشته بود برات دهنده گفت که من این را نمی بردارم بجهت اینکه در ماده اول این قانون نوشته شده است که باب برات باب حواله است من که برات کرده ام از اشغال ذمه بیرون آمده ام حالا آن شخص که قبولی نوشته است باید بموجب همین قانون از عهده بر بیاید اینجا تصادم شد ما بین دو قانون ایران و فرانسه مثل آن شخصی که در بیاریس بود این بود که وزارت عدلیه رجوع کرد بمجلس برای تفسیر این ماده و از مجلس رجوع شد بکمسیون عدلیه در کمسیون عدلیه باحضور آقایان و نمایندگان تجاری که از کار برات دادن و گرفتن خبرت و بصیرتی داشتند بعد از مذاکرات زیاد (و در این مدت هم که داخل این مذاکرات بودیم بقوانین سایر دول هم ملاحظه کردیم) دیدیم که این ترتیبی که هست نمی توانیم بگوئیم که موافق اصول فقه است و کلیتاً از اصول فقهی که عرض می کنم مقصود علم حقوق است نه فقه شریعت خودمان دیدیم که در سایر جاها اصولی را که ایجاد کرده اند برای بروات مطابقت داده اند آنها را با اصول حقوقی و این ترتیب را برای این معمول داشته اند که تجارت چون يك چیز بین المللی است و تاخیر پذیر نیست زودتر بگذرد و مردم معطل نشوند و ترتیبی که در اغلب دول داده اند اینست که برات دهنده مشغول ذمه است چه وجه را بگیرد وجه نگیرد و خیلی هم اتفاق می افتد که برات را که می دهند پول نگیرند و این با بواسطه اعتبار است و با بواسطه اینست که در پیش آن شخص

پول دارد و وقتیکه برات می نویسد نمی نویسد که من این پول را نگرفته ام می نویسد فلانی این پول را بده ولی همینکه برات را نوشت مشغول الذمه می شود و آن برات گیرنده آن برات را هم می تواند مستقیماً ببرد بمحل عدلیه و پولش را بگیرد هم اینکه دست بدست همین طور حواله بدهد تا برسد بآن محال عدلیه آخری است و در صورتی که آن محال عدلیه بعد از قبولی نوشتن نکول کرد این پروتست می شود و در قانون هر مملکتی هست که در مدت ۲ یا چهار و هشت ساعت بهمان ایادی مختلفه حواله شده است برمی گردد تا میرسد ببرات دهنده اولی و در بعضی از دول مجبور نیستند که لاحق بسابق رجوع بکنند بلکه می توانند مستقیماً رجوع کنند به برات دهنده اولی و پول خودش را بگیرد حتی در بعضی از دول برای سرعت کار تجارت و برای اطمینان گیرنده برات قرار داده اند که تمام ایادی متوسطی که بین محیل و محال عدلیه است با تمام دارائی خودشان مسئول تأدیبه وجه برات هستند یعنی این شخص می تواند وجه برات را از يك نفر مطالبه کند هم می تواند از هر نفری که دست بدست گذشته است مطالبه کند مثلاً اگر وجه برات که هزار تومان است می تواند صد تومان از اولی یا صد از دومی و همین طور تا وقتی که تمام وجه برات وصول شود مطالبه کند و بگیرد این بود که بعد از مذاکرات زیاد و بعد از اظهارات تجار تصادمی که در بین قوایین داخله و خارجه اتفاق می افتاد این لایحه را باین ترتیبی که ملاحظه می فرمائید ترتیب داده ایم و قرار دادیم که این را که نوشته شده بود در ماده اول قانون سابق که بابت برات بابت حواله است برداریم و بجای آن بنویسیم که آن کس که برات میدهد و امضاء میکند امضاء اولی و براتشغال ذمه اوست خواهد بود را بگیرد و برات بدهد یا اینکه نگیرد برای اینکه فی الواقع تمام استعکام کار برات بسته باین ماده است که برات گیرنده اطمینان دارد به اینکه آن کسی که برات میدهد مشغول الذمه است و ریش او دست برات گیرنده است موافق ترتیبات عقلیش هم که ملاحظه بکنیم می بینیم که همینطور است چرا بجهت اینکه بنده که میروم برات می گیرم عمده نظر به آن کسی است که برات میدهد محال عدلیه را که نمی شناسم محال عدلیه ممکن است که در اسلام قبول باشد بنده که نمایانم او اعتبار دارد یا ندارد و عمده نظر من برات دهنده است حالا اگر ما بنویسیم که بابت برات بابت حواله است و برات دهنده وقتی که برات داد دیگر ریش او از دست من خلاص میشود اگر من نمی توانم در صورت نکول برات از او مطالبه کنم این بود که این ماده را تغییر دادیم و نوشتیم که برات دهنده مشغول ذمه است و در صورت نکول ملزم است بتأدیبه وجه پس وقتی که این ماده را تغییر دادیم بالطبع آن ماده که در باب قبولی نویسنده نوشته بودیم که قبولی نویسنده بعد از قبول نوشتن ملزم است بتأدیبه وجه آنهم تغییر کرد بجهت اینکه وقتی که این برات را نوشت و اشغال ذمه از برایش حاصل شده وقتی که نکول کردند آن يك ترتیبی است که بین محیل و محال عدلیه است ربطی بمن ندارد

و من میتوانم بر گردم و پول خودم را از برات دهنده اولی بگیرم و در صورتی هم که دست بدست کرده باشد معین است که ایادی متوسط هم محیل میشود و هم محال عدلیه پس ما میتوانیم بموجب این ترتیب اختیار بدهیم بدارنده برات که در صورتی که محال عدلیه ندارد برگردد بطور رجوع هر سابق بلاحق تا اینکه بیاید بدست آنکسی که برات دهنده اولی بوده است حالا از اولی میتواند صرف نظر بکند و بدومی بچسبید یا از دومی صرف نظر بکند و به پنجمی بچسبید این يك مسئله ایست که در رتبه اول هم همین طور لاینحل ماند در اینجا مقصود بنده سابقه اینکار بود که خواستم عرض بکنم که چه ترتیبی ما را مجبور کرد که این طور بنویسیم یعنی ماده اول را که نوشته بود باب برات باب حواله است تغییر بدهیم و بنویسیم که برات دهنده مشغول الذمه و در صورت نکول ملزم است بتأدیبه وجه برات حالا دیگر بسته بنظر نمایندگان و رأی مجلس است .

رئیس - مذاکرات کافی نیست ؟
(گفتند خیر)

پس رأی میگیریم در اینکه ببینیم مذاکرات کافی است یا کافی نیست .
آقایانی که مذاکرات در این ماده را کافی میدانند قیام نمایند .
(در شد)

آقای شیخ ابراهیم - يك توضیح لازمی باقی ماند که باید عرض کنم تا اینکه شبهه رفع بشود چون بمقتضای شرح محیل و محال له و محال عدلیه هر گاه هر سه راضی شدند باینکه حواله بیکی دیگر بشود و او هم قبول کرد دیگر نمی تواند رد بکند و مبنای آن قانون که گذشته بود این بود ولیکن ما از تجار تحقیقات کردیم و راهی که از برای این کار پیدا کردیم این بود که میگفتند برات کلیتاً باعتبار حواله دهنده است یعنی شخصی که برات میگیرد او را معتبر میدانند که هیچ اطمینان ندارد بآن کسی که وجه برات را خواهد داد تمام نظرش برات دهنده است و در صورتی که رد شد می آید از او مطالبه میکند بنده در این خصوص فکر کردم بعد از تأمل زیاد راه شرعی این مسئله را پیدا کرده گفتم آیا این برات کردن بتو حواله است گفتند خیر غالباً بتو توکیل است این یکی پول دارد پیش يك نفر تاجر تبریزی حالا او پیش این پول دارد یا نه هر چه هست میگوید من اینجا قرض میکنم تو توکیل منی ادا کن و کالتاً بده او هم قبول میکند از کسی پول میگیرد و حواله میکند که چون از جانب من و کیلی قرض مرا بده چون عنوان عنوان و کالت است و توکیل می تواند کرد و وقتی که رد کرد بر میگردد بموکل چرا بجهت اینکه از قبیل محال له و محال عدلیه که نیست تا اینکه نتواند نکول بکند مسئله توکیل است و توکیل می تواند بگیرد که من و توکیل بودم قبول کردم که بدهم ولی حالا نمی دهم حالا متوسطین و ایادی متوسطه هم همین طور است حواله نیست بجهت آنکه آن حواله خودم را حواله می کنم پیش او یعنی مدیون بولایات خودمان بود که بمجرد اینکه کسی بکسی نوشت که ده تومان پول بده بدم که او نداد تا بحال

کردیم بقانون جاهای دیگر حتی قانون عثمانی را دیدیم همین طور است يك پروتست عدم قبول هست یعنی من قبول نمی کنم که بدهم و يك پروتست عدم اداء است یعنی بعد از قبول ادا نمی کند در این صورت این شخص هم حق دارد که برگردد ببرات دهنده اولی و هم حق دارد که بآن وسط ها رجوع بکند و بگیرد که پول مرا بدهد خودت بدان یا آنکه بتو حواله داده است و همین طور او هم بسابق خودش تا وقتی که برگردد باز برات دهنده اولی و این ترتیب هم ترتیب شرعی است و ما هم تحقیق کرده ایم از تجار می گویند که این از باب اینست که این را و توکیل کرده است و می گویند قرض مرا بده نه از باب اینست که حتماً از او طلبکار باشم یا پولی دارم برای سهولت کار او این جا يك و توکیل دارند من اینجا يك و توکیل دارم من اینجا پول می گیرم حواله می دهم آنجا توکیل خودم که قرض مرا بده او آنجا می گیرد حواله می دهد به و توکیل خودش در این جا که بده پس بنا بر این این ترتیب صحیح است و راه شرعی هم دارد یعنی آن و توکیل می تواند رد بکند و وقتی هم که رد کرد برمی گردد بحواله دهنده اولی و اشکالی هم ندارد

آقای شیخ علی شیرازی - فرقی که هست ما بین پیشنهاد کمسیون با پیشنهاد آقای حاج امام جمعه اینست که در آنجا امضاء را دلیل بر مدیونیت گرفته و اینجا اقرار بر گرفتن پول را و اگر بنا بشود که ما بنویسیم که امضاء دلیل بر این است که مدیون است همین که از این مجلس بیرون رفت تمام مردم ایراد میکنند و می گویند که بطور امضاء کردن دلیل بر مدیونیت می شود بجهت خاطر این که بهمان ترتیبی که ذکر شد تجاری به تجاری می گویند آنقدر برات بکن بعد من می دهم و همین طور هم امضاء میکنند امضاء دلیل بر مدیونیت نمی شود و اینطوری که آقای حاج امام جمعه پیشنهاد فرموده اند چه ضرر دارد که همانطور نوشته شود بلکه بنده هم همینطور پیشنهاد میکنم که اینطور بنویسد که کسی که برات میکند ملزم باشد به اینکه در آن برات بنویسد که پول بمن رسید و اگر اینطور باشد دیگر هیچ اشکالی نخواهد داشت

آقای شیخ ابراهیم - آن وقت باید ماده را اینطور نوشت که هر کس اقرار کرد که يك پولی از يك کسی گرفته است مشغول الذمه است این دیگر قانون نمی خواهد البته هر کسی اقرار کرده است مشغول الذمه است و باید بدهد .

آقای سید حسن آقای افتخار الواعظین فرمودند لکن بنده عرض میکنم خوب است روزی که وعده میکنند که بکمسیون بیایند تشریف بیاورند و آن وقت ایرادهای مختلف بکنند بر عکس آقایان را اطلاع دادیم و هیچکدام تشریف نیاورند و حالا آنچه بنظرشان میرسد می فرمایند دو مسئله در اینجا بود که اشکال داشت يك مسئله در ولایت خودتان است يك مسئله در ولایت خارج ماده اول متعلق بولایات خودمان بود که بمجرد اینکه کسی بکسی نوشت که ده تومان پول بده بدم که او نداد تا بحال

اینطور بود که برمی گشتند و می رفتند در مدالیه یا در محاکم شرع محل گفتگو می شد این میگفت من پول را نگرفتم در برات نوشتم ده تومان بفلان کس بده داد یا نداد ربطی بمن ندارد من از تو نگرفتم من باعتبار احواله کردم حالا اعتبار او از میان رفت ربطی بمالم من ندارد من که از تو پول نگرفته ام رفع این اشکال و تمام فوائدی که منظور نظر آقایان است از سیاسی و غیر سیاسی فرقی نمی کند از اینکه این شخص که حواله میکند پول گرفته است یا نگرفته است اگر گرفته است که می نویسد گرفته ام اگر نگرفته است اگر گرفته است که می نویسد گرفته ام هیچ اشکالی هم پیدا نمی کند امضاء کننده مدیون است یعنی با پول گرفتن یا با پول نگرستن است اگر با پول گرفتن که می نویسد پول گرفته ام اگر نگرفته است امضاء هم بکند مدیون مشیر الدوله فرمودند ربطی بماده اول ندارد در موقعی اگر خواستند توضیحش را عرض میکنم .

رئیس - باز هم مذاکرات را کافی نمی دانید ؟
(گفتند کافی است)
پیشنهادی آقای حاج امام جمعه کرده اند خواننده میشود و در قابل بودن آن رأی میگیریم (بیارت ذیل خواننده شد)

ماده ۱ - چون شخص برات دهنده در برات خود تصریح باخذ وجه می نماید لذا اگر بعد از برات کردن انکار مدیون بودن خود را برساند پذیرفته نخواهد شد .

رئیس - رأی میگیریم باین اصلاح آقایانی که این اصلاح را قابل توجه میدانند قیام نمایند
(اغلب قیام کردند)
با اکثریت قبول شد بر میگردد بکمسیون ماده

دوم خواننده می شود
از این قرار قرائت شد
ماده ۲ - برات گیرنده اولی می تواند باسم دیگر برات نماید و دومی به سببی دیگر چند نفر باشند در این صورت تمامی برات دهندگان برای تأدیبه وجه برات کفیل یکدیگرند و هر گاه قبولی نویسنده بعد از نوشتن قبولی وجه برات یا قسمتی از آن را نپرداخت دارنده برات مکلف است که برات خود را موافق ماده هشتم به [پروتست] برساند و پس از آن دارنده برات مختار است که وجه تأدیبه شده برات را از قبولی نویسنده یا از برات کننده اولی و یا از ایادی متوسطه بترتیب رجوع امر لاحق بسابق خود مطالبه و دریافت نماید .

حاج مهین الزعایا - از فرمایشات آقای وزیر عدلیه معلوم شد که تمام بهم زدن این قانون برای این بوده است که برات يك نفر از خارجه برگشته است در صورتی که در هیچ جای خارجه چنین فراری نیست که بعد از آنی که برات کرد و طرف قبول کرد وجه برات را بتواند ندهد بعد از آنکه برات را قبول کرد حتماً باید وجه برات را بدهد یعنی در هیچ جای عالم همچو رسمی نیست بعد از قبول

کردن بتوانند نکول نمایند و این که آقایان را به اشتباه انداخته است اینست که در خارجه برات را بشرط قبول می کنند مثلاً يك براتی که می رود شرط می کنند که این برات چون امانت است قبول می کنم اگر وجه آن رسید می دهیم والا نمی توانیم بدهیم والا مطلق قبولی نوشتن ابداً معمول نیست که بعد از قبول بگوید نمی دهم مثلاً اینجا شخصی برات نوشت و بعداً بانکه بعد که قبولی نوشت ابداً ممکن نیست که نهد یکی دیگر اینکه فرمودند در برات اعتبار برات دهنده معتبر است صحیح است همین طور است الا اینکه حواله کننده را هم ملاحظه می کنند يك تاجری بعهده دو نفر حواله میدهد که یکی معتبر است و یکی غیر معتبر مسلماً آن براتی که بعهده شخص معتبری می دهد برات گیرنده تومانی يك شاهمی علاوه می دهد برای اینکه بعهده آن شخص معتبر برات می گیرد وقتو که رفت انجا آن طرف معتبر برات او را رد نمی کند و معطل نمی ماند اما اگر يك آدم نکره باشد ممکن است قبولی بنویسد و وجه را نهد این را هم که آقای آقا شیخ ابراهیم فرمودند که عنوان برات عنوان وکالت است همچو نیست عنوان برات در واقع عنوان يك مواجهه ثلاثه است يك نفر حواله می کند يك نفر هم قبول می کند بعد از آنکه قبول کرد این بر عهده او وارد می آید و اگر اینجا بخواهند این مسئولیت را بکلی از عهده برات گیرنده یعنی آن کسی که به او حواله می شود سلب بکنند بکلی رشته تجارت و بروات را متزلزل می کنند و بنده آن قانون سابق را کلیتاً خیلی بهتر از این قانون می دانم و این قانون اگر بگذرد غیر از این که ترتیب بروات را متزلزل بکنند هیچ فایده ندارد یکی هم نوشته است که هر گاه قبولی نویسنده بعد از نوشتن قبولی وجه برات یا قسمتی از آن را نپرداخت دارند برات مکلف است که برات خود را به (پروست) برساند اینجا هیچ علت پروست را نوشته است که نپرداختن بواسطه عدم قدرت و ورشکستگی میباشد یا اینکه از روی اجبار قبول نوشته است و می خواهد وجه را نهد بنده این را به هیچ وجه نمی فهمم بجهت اینکه شخصی که قبول کرد ملازم است و بر عهده او است که وجه برات را برساند بعد از آن نوشته است که پس از آن دارند برات بختار است که وجه تأدیه شده برات را از قبولی نویسنده یا از برات کننده اولی و یا از ایادی متوسط بترتیب رجوع هراحق بسابق خود مطالبه و دریافت نماید تصور می کنم که این هم هیچ صورت صحیحی پیدا نمی کند بواسطه این که بطوری که بنده عرض کردم قبول کننده برات چنانچه بر عهده او است باید وجه برات را بعد از قبولی نوشتن بدهد و در این صورت این چه اختیاری است که به برات گیرنده میدهد که حق داشته باشد از برات دهنده اولی یا از ایادی متوسط مطالبه وجه بکند و اگر چنانچه آقای وزیر عدلیه فرمودند برات دهنده موجب امضا یا اقرار خودش تا وقتی که وجه برات پرداخته نشده مشغول الذمه است بنده نمی دانم این چه اختیاری است که به برات گیرنده می دهد که از قبولی نویسنده هم بعد از

۶

پروست حق مطالبه و دریافت وجه را داشته باشد برای این که در هر صورت ذمه یکی از این دو نفر مشغول خواهد بود دیگر نمی شود این اختیاری به او بدهند که هم از برات دهنده حق مطالبه داشته باشد و هم از قبولی نویسنده اینها را هم خوب است تفکیک و توضیح بکنند .

وزیر عدلیه - اولاً در این جا ایراد شده که بنده در ماده اول در باب قبولی نویسنده چنین عرض کردم که این ماده اول کمال ارتباط را بقبولی نویسنده دارد بجهت این که در ماده اول که نوشته شده است باب برات باب حواله است آن مواد طور دیگر نوشته خواهد شد و وقتی که آن ماده تغییر داد شد آن تغییر می کند این بود که بنده وقتی که در ماده اول مذاکره می شد در واقع به مواد دیگر مذاکره کردم اما در باب این ایراداتی که شد در این ماده بنده هیچوقت عرض نکردم قبولی نویسنده نباید بدهد البته وقتی که قبولی را نوشت باید پول را بدهد ولی این قانون بختار کرده است دارند برات را که هم می تواند از قبولی نویسنده مطالبه کند و او را به محکمه بکشد و هم می تواند به ایادی متوسط رجوع کند یا به برات دهنده اولی و از آنها بگیرد پس آن عرضی که بنده کردم غیر از این بود که قبولی نویسنده باید بدهد یا نباید بدهد البته کسی که قبولی نوشت باید بدهد ولی اگر نداد این قانون بختار کرده است برات دارند را که می خواهد از برات دهنده اولی بگیرد و نمی خواهد از ایادی متوسط بگیرد نمی خواهد از قبولی نویسنده بگیرد و او را به محکمه جلب بکنند مثلاً فرض بفرمائید آن شخصی که در مرتبه آخری است و به او حواله شده در يك شهری است و برات را هم قبولی نوشت ولی بعد از قبولی نوشتن نداد و من هم وقت ندارم که با او محاکمه بکنم برای اینکه دو ماه باید به آن در اینجا قانون من اجازه می دهد که از این شهر بروم فلان شهری که سر راه من است و یکی از ایادی متوسط در آنجا است و او را جلب به محکمه بکنم و پول خود را بگیرم نمی خواهم بروم به يك شهری دیگر که یکی دیگر از ایادی متوسط در آنجا است اگر این را هم نخواستم رجوع می کنم به برات دهنده اولی و این غیر از اینست که در اینجا مذاکره شد و ایراد کردند و مقصود از تمام این ترتیبات اینست که اینها از گزافهای تجارتی است و در تجارت وقت خیلی هزینه است نمی شود تجارت را معطل کرد برای ترتیبات معینه که در معاملات است معین شده است این است که این ترتیب را داده اند برای اینکه به برات دارند در این موقع نگویند که تو حتماً از برات دهنده اولی یا از ایادی متوسط باید بگیری یا از طرف دیگر دهنده که از يك طرف برات دهنده و ایادی متوسط مشغول الذمه اند و از يك طرف هم قبولی نویسنده حالا او از هر کدام که می خواهد مطالبه می کند .

حاجی امیر جمعه - ماده دوم اصل قانونی که از مجلس گذشته است خوب است قرائت شود شاید در نظر آقایان بهتر باشد دیگر آنکه آن لفظ (قبول) را بلفظ (مدیون) تبدیل نمایند بهتر است (قبول) معنی ندارد .

آقا شیخ ابراهیم - اینکه آقایان فرمودند همچنین نظر آقای معین الرعايا را باید درست دقت کرد اگر واقعاً همین طور است که در جاهای دیگر بعد از قبول بر نمی گردد برات دهنده اولی که همان طور يك ترتیبی بدهیم این بکلمه طلبی است خیلی مهم که تمام اشکالات برای همین مطلب تولید شده است اما جماعت تجاری که اینجا حاضر شدند تمام گفتند که برات اعتبار برات دهنده اولی است حتی هر گاه باسم بکنند نمی شناسند چطور است اگر برات بنویسد همین که برات دهنده معتبر شد آن برات بمنزله پول است و دست بدست میگردد و اینکه بفرمائید که در هر يك از ایادی ترتیبی که در ماده اول پیشنهاد کرده بودند معمول بشود می خواهم بدانم که این دست بدست که میگردد هر يك از آنها مهر میکند و آن دیگری که بعد از اوست در ذیل سند می نویسد که من این پول را گرفتم توبه ؟ اینکه نمی شود ما می خواهیم امضاء را سند قرار بدهیم و سند را معتبر بکنیم برای اینکه امضاء شخصی که می نویسد فلان کس فلان قدر را بدهد خودش بمنزله اقرار است و مثل اینست که اقرار به مدیون بودن کرده است هر گاه رد شد او در اشغال ذمه خودش باقی است حالا يك دست باشد یا دو دست فرق نمیکند ولی این را باید درست تأمل کرد که برات به اعتبار کسی است اگر این طور که آقای معین الرعا فرمودند که برات به اعتبار قبولی نویسنده است و بعضی این که قبولی نوشت دیگر نمی تواند رد بکنند باید این ترتیب را در نظر گرفت و یک چیزی را نوشت .

رئیس - مذاکرات کافی نیست ؟ (گفتند کافی است) .
 اصلاحی آقای حاج امام جمعه پیشنهاد کرده اند خوانده میشود .
 (بجارت ذیل قرائت شد) .
 بجای لفظ (قبول) (مدیون) نوشته شود .
رئیس - رأی می گیریم به اصلاح آقای حاج امام جمعه .
 آقایانی که این اصلاح را قابل توجه می دانند قیام نمایند .
 (اغلب قیام کردند) .
 به اکثریت تصویب شد .
 اصلاحی هم آقای ارباب پیشنهاد کرده اند خوانده میشود .
 (بجارت ذیل خوانده شد) .
 بنده پیشنهاد میکنم در ماده دو این قسم اصلاح شود برات گیرنده اولی میتواند برات را بدیگری انتقال دهد و دویمی بسیمی الی آخر ماده .

ارباب کیخسرو - چون در اینجا نوشته است برات کننده اولی میتواند به اسم دیگری برات کند این اشتباه شده است و بقانون تجارت غلط است برای اینکه بآن شخصی که برات رسیده است اینطور نیست که آن برات را ضبط کند و برات دیگری باسم آنکس که بعد از او است بنویسد بلکه در قانون تجارت برات را بدیگری میفرشند و همین طور که دست بدست میگردد میفرشند حالا اگر نمیخواهند به لفظ فروش باشد انتقال بنویسند والا اگر این قید نشود بکلی اصل مقصود را منیرسانند .

آقا شیخ ابراهیم - چون ما تصور کردیم که در برات انتقال نیست یعنی بیع و شری در آن تصور نمیشود مقصود از انتقال همان حواله دادن است یعنی او پول میدهد و این را حواله میدهد بکسی دیگر و الا برات مال انتقال و بیع و شری نتوانیم تصور بکنیم که برات چطور بیع و شری میشود .

رئیس - رأی می گیریم به اصلاح آقای ارباب کیخسرو .
 آقایانی که این اصلاح را قابل توجه میدانند قیام فرمایند (رد شد) .
 ماده چهارم و پنجم را کمیسیون عیناً تصویب کرده است ماده ششم قرائت میشود .
 ماده سیم - هر گاه کسی که برات بعهده او است از قبولی نوشتن امتناع کند دارند برات برات کننده اولی در صورت تمهید ایادی می تواند بترتیب هراحق بسابق رجوع کند .

رئیس - مخالفی نیست ؟
 (گفتند خیر) .
 ماده ششم قرائت میشود ماده پنجم همان ماده سابق است .
 ماده ششم - شخصی که برات با او شده است هر گاه برات را قبولی نوشت قبولی خود را نمی تواند تغییر بدهد .
 تنبیه - قبولی نویسنده نباید قبولی خود را معطل بشرط نماید .

حاجی امیر جمعه - این فرمایشاتی که وزیر کردند و آقای مغیر فرمودند بنظر بنده جایش

اینجا است و بنده اینجا گفتم که می توانیم کلیه بروات تجارتی را از باب حواله بگیریم ولی چون این ماده از مجلس گذشته بود اشکالات تمام از این ماده تولید شد اینجا بنده باید چند کلمه توضیح بدهم بعد آنچه یادداشت کرده ام عرض کنم حواله متعارفی دو جور است یکی این حواله های معمولی است همان قسم است که آقایان گفتند شخصی که براتی را می گیرد به اعتبار دهنده برات است نه باعتبار کسی است که باو برات می شود و می خواهد که تنخواه اذمه این برود به عهده کسی که باو حواله میشود اینست که بنده سابقاً اینجا اصرار داشتم که باب برات باب حواله نیست همانطور که مذاکره می کردیم اگر رد شد یعنی کسیکه باو برات شده است اگر رد کرد باید برات دهنده رجوع شود و اگر در این ایادی متمهده شده رجوع نماید هراحق بسابق خود یا آن کسی که اول برات داده است و او مدیون است و باید بدهد بلی اینجا يك چیزی است چون این ماده آنوقت از مجلس گذشته است ما می توانیم ماده را هم يك تصحیحی بکنیم و آن این است که گاهی بنده يك پولی به يك نفر می دهم و می خواهم که حواله کند پول مرا بشهر دیگری چون من با او حاضریم معجل و محال له هر دو حاضریم محال علیه حاضر نیست که این پول مرا بدهد آن آدم را هم می شناسم و اعتبار او را احراز کرده ام که آدم معتبری است و میخواهم که پول من از ذمه این برود بنده او را اگر میخواهم و رضای شدم و او هم پول کرد این پول می رود به ذمه او چون سابق چنین دیدم که مقصود آقایان این بود که هم آن ماده که سابق از مجلس گذشته بود اصلاح شود و هم نظری که آقایان دارند آن نظرات هم اصلاح شود اگر این دو تا ملحوظ بود آنوقت باید این طور توضیح کرد که کسی که به او حواله شده است هر گاه قبولی نوشت به ادای وجه قبولی نوشته خود ملازم است این آن ماده است که سابق نوشته شده بود و گذشت حالا بنده این طور اصلاح کرده ام قبولی نویسنده در صورتی ملازم با دای وجه است که برات گیرنده اعتبار و دارائی او را مطلع بوده نقل این وجه را بدهد و او رضای خود این میشود باب حواله شرعی و میروید بنده او پس مقصود از این اصلاح آن ماده است که از پیش گذشته را ما اگر این را بنظر نوشتیم باید آن جزو دیگری را که در این حواله های متعارفی است که باید برگردانیم به آن حواله بنده آن را به شکل ماده عرض کرده بودم و این جا طور دیگری نوشته شده است این است که نوشته شده والا در موقعی که قبولی نویسنده از ادای این وجه امتناع نماید بحواله کننده رجوع می شود اما بنظر بنده چون اصل مطلب آن است و مهم آن است آنرا يك ماده دیگری قرار بدهیم که آن حواله کننده های اولی بهمان ترتیبی که وزیر گفت رجوع کنند در صورتیکه آن قبولی نویسنده رد کرد به ایادی ما بین تا بر گردد بحواله دهنده اولی .

حاجی امیر جمعه - در ماده می نویسد اشخاصی که برات به او برات شده است هر گاه قبولی نوشت

قبولی خود را نمی تواند تغییر بدهد اولاً این لفظ قبولی خود را نمی تواند تغییر بدهد يك لفظ مجملی است تغییر بدهد مراد چیست قبولی خودش را نمی تواند تغییر بدهد یعنی نمی تواند عوض کند جور دیگر بنویسد یا آنکه باید وجه را بدهد و ملازم به ادای آن وجه است ظاهر عبارت این است اگر مراد این شق اخیر باشد ذمه او راجع مشغول کرده است که می خواهید او را ملازم بکنید به ادای آن وجه برای اینکه این عنوان را عنوان حواله گفتم نیست اگر عنوان عنوان حواله شد که معجل و محال له و محال علیه باشد که این آن شکل نیست و اگر عنوان عنوان وکالت است که آن هیچ تصور نمی شود و فرضاً هم که این عنوان باشد آنهم باز اشغال ذمه برای آن قبولی نویسنده نمی آورد پس اینجا هم که می نویسد قبولی نویسنده ملازم به ادای وجه است صحیح نیست غلط است ملازم به ادای وجه نمی شود چونکه در آن ماده اولی که در پیشنهاد آقای حاجی امام جمعه بود که آن برات کننده در صورتی که بنویسد در براتش که من این پول را گرفتم ذمه او باشد یا اشغال خود باقی است تا داده وجه شود و چیزی که ذمه او را بری و ذمه دیگری را مشغول بکند در این بین پیدا نمی شود این است که بنده این ماده را در اینجا هیچ معنی از برایش نمی فهمم یعنی صحیح نمی دانم و اما آن پیشنهادی را که آقای حاج امام جمعه خودشان فرمودند بهمان تفصیل که عرض کردم باید مراعات ماده اول تمام شود و عقیده بنده این است که پیشنهاد هائی را که نرق گذاشته اند بین مواد بوده این ماده با آن پیشنهاد مخالف می شود حالا آن را بنده مصلحاً اینجا عرض نمی کنم و عرض می کنم خودشان هم قدری التفات فرمایند پیشنهاد خودشان را اگر منافاتی با این ماده تصور کردند پیشنهاد خودشان رایس بگیرند .

حاج وکیل الرعايا - اصلاح قانون برای منفعت رساندن است و رزق خطر و ضرر اگر این دو در نظر نباشد لازم نمی آید این مذاکرات می خواهم به بینم که تجار از چه راه بهتر در دست می یافتند از کدام راه در سختی بنده عرض می کنم که قبولی نویسنده را هیچ مسئول ندانیم دست تجار خیلی باز است و خیلی کمک بتوسعه کار آنها کرده ایم که هیچ مسئولیتی بقبولی نویسنده ندانیم برای این عرض خود بنده دلایلی دارم دلایل بنده را بسنجید و آنوقت اگر لازم دانستید که بر قبولی نویسنده هیچ چیزی را لازم ندانیم و نگوئیم مدیون است و بگوئیم آن شخصی که پولش را با داده است او معتبر است دیگر بکلی مطلب تمام است شرعاً و عقلاً و تجارتاً همه اش موافق می شود با قانون بین المللی هم موافقت دارد این است که می خواهم يك چیزی بآن قبولی نویسنده وارد کنیم بنده عرض می کنم که این تجارت را در ضیق میاندازد برخلاف اینکه در آنجا فرمودند که خیر اگر ما بخواهیم قبولی نویسنده را بدهکار بدانیم تجارت در تنگی و سختی می افتد بنده بکلی بر ضد این عقیده هستم اگر ما بخواهیم قبولی نویسنده را مسئول بدانیم آنوقت

تاجاری می شوند آن اشخاصی که بداند این پول را دادنی خواهند بود اول يك فكري بکنند برای محطش بعد قبولی نویسد غیر از این ممکن نیست بکنند اما اگر خواستیم قبولی نویسنده را مسئول ندانیم الا بر واتی حاضر است در آنجا دو سه ماه وعده دارد و هیچ قصدی برای اینکه این پول را نهد ندارد این وعده برای او نیست این وعده برای این است که آنها را شامل است و از موضوع بنده خارج است سه روز قبل از آنکه آن وعده منقضی شود پولش را بآن محل خواهد رسانید برای اینکه تکلیف تجارتي و منفعت او اجازه می دهد که این پول آنجا بماند چون یکی گفت که قبولی نویسنده مسئول است که برخلاف هیچ جایی که نکته اند مسئول است فقط این پروتست این ها که هست یعنی این پروتست یکی شهادت نامه است می رود بآنجا چه می گوید می گوید بله پول باید برساند رسانیده بود بداند این را در آنجا شهادت نامه را در جاییکه رسمی است می نویسد بدهد بدست این آدم می گویند برو می رود اینها را سنجیده اند و آنچه که بنده ملاحظه کرده ام مگر باین شکل که قبولی نویسنده را مسئول نکنند بنده تصور می کنم که چیزی که ما را مجبور میکند که این مذاکرات را بکنیم این است که ما قبولی نویسنده را مجبور بکنیم پس از این که این قانون عمومی شده دانستند قبولی نویسنده هم مجبور نیست هر يك پولش را میداند باعتبار اینکه پولش را درست او داده همین ملاحظه را خواهد کرد و محکمه هم آورده هست که بجهت فلان عذر این قبولی را فلان کس نتوانست بردارد که بگوید شاید تو نوشته ای باینکه قسمت از آنرا گرفته این شهادت از برای اینست که آن شخص پولی را که برات کرده بدهد بنده تا آخرین وقت هم مخالف هستم بآن اشخاصی که میخواهند بقبولی نویسنده يك مسئولیتی قرار بدهند و عرض می کنم که این وسعت تجارت هم نیست بلکه می توانست سختی هم در تجارت وارد کند و برای این عرض خودم دلیل بیش از این دارم اگر مجلس حاضر است دلایل خودم را عرض کنم .

آقا شیخ ابراهیم - خیلی مطالب در اینماده گفته شد که هیچ ربطی باین ماده ندارد يك براتی يك کسی کرده است و چند دست هم زردیده نزد کسی رفته قبولی نوشته است حالا ما میخواهیم يك فرقی داشته باشد بین آنکه از اول میگوید من قبولی نمی نویسم و بین آن کسی که قبولی نوشته است فرق این چه چیز است آنجا که قبولی نوشته ابتدا نکول کرده از اول پروتست بکنند در اطراف تجارت که این آدم قبول نکرده بر میگردد بحواله کننده اولی و هر گاه قبول کرد بازم نکول کرد او را ناکل قرار بدهیم وقتی قبول کرد می گوئیم این را نمی تواند نکول بکند مثل اینکه بعد از قبولی نوشتن بگوئیم تو قبول کننده حالا برای آنکسی که صاحب برات است سه جا پیدا شده یکی آنکسی که برات نوشته است یکی آنکه قبولی نوشته است یکی آن وسایط یا بدستی که باین دست رسیده است یا یکی که قبولی نوشته است قبولی نویسنده

را هیچ دخیل ندانیم و بگوئیم مسئول نیست باید باو هم حق رجوع داده باشد چنانچه در آن ماده نوشته شد در ذیل آنهم این باید باشد که قبولی نویسنده نمی تواند قبولی خودش را تغییر بدهد یعنی بگوید که من قبولی نمی نویسم و نمی دهم بعد از قبولی که نوشت قبولی نوشته محسوب است از اول اگر میخواست قبولی ننویسد حالا که نوشت قبول کننده محسوب است .

حاج عز الممالک - آنچه تا بحال معمول تجارتی بوده است که بنده اطلاع دارم که اگر برات کننده وجه را بقبولی نویسنده رسانده بود قبولی نویسنده مدیون میشد و اگر ثابت میشد باینکه فقط کاغذ بوده است و برات کننده نتوانسته است بآن قبولی نویسنده پولی برساند آنوقت بآن برات کننده بر میگردد و مطالبه میگردند و عرض می کنم این ساده مبهم است فقط می نویسد نمی تواند تغییر بدهد - نمی تواند تغییر بدهد - او را ملزم نمیکنند باین که ادای این را بکنند تا اینکه آن کسی که برات درست او است بتواند مطالبه بکند گرچه در ماده سابق نوشتیم که قبولی نویسنده هم ملزم است ولی در صورتی که نویسیم ملزم است ظاهراً این حق بر او تعلق نمی گیرد و باعتبار بنده باید همانطور نوشته شود مثل ماده سابق که قبولی نویسنده هم ضامن است و برات کننده هم مدیون خواهد بود برای اینکه اقرار میکنند که من گرفته ام اگر همین طور معمول شود که قبولی نویسنده ملزم باشد تا وجهی از برات کننده پیش او نباشد نخواهد قبولی نوشت اگر وجه پیش او نباشد قبولی لازم نیست بنویسد نکول میکنند والا تا يك مدتی که حق دارد آنوقت بیاورد یا قبولی بنویسد یا نکول کند و اگر گفته شود که نویسنده مدیون نخواهد بود باعتقاد بنده همین ایراد هم باده اول وارد خواهد آمد بجهت اینکه در ماده اول هم بیک کاغذی است که او مدیون میشود آن را ما قانونی کردیم و بعضی نوشتن آن برات مدیون است آنهم باید مدیون باشد و الا او هم که برات می نویسد چنانچه خود آقای مخبر توضیح دادند هیچ فایده نخواهد داشت و ملزم هم که نبود باعتبار بنده آنوقت آن ماده دوم رویم لغو خواهد بود که کسی که ملزم نشود بموجب این ماده آنوقت هم برات کننده مدیون نشود هم قبولی نویسنده و بعد از آنی که این دو شرط شد تا هیچکدام آنها پولی پیششان نباشد قبول نخواهند کرد که اگر برات کننده وجهی رسانده بود به آن قبولی نویسنده مدیون همان قبول نویسنده باشد و اگر نتوانست وجه برساند مدیون همان برات کننده اولی باشد .

رئیس - گویا مذاکرات کافی باشد [بعضی گفتند کافی است]

رئیس - اصلاحی که آقای حاجی امام جمعه و آقا سید حسن مدرس پیشنهاد کرده اند خوانده می شود . (جمعی گفتند مذاکرات کافی نیست)

رئیس - شور اول است و اگر کافی نیست ممکن است در کمیسیون اصلاحاتی پیشنهاد بکنند مذاکره شود .

[پیشنهاد آقای حاجی امام جمعه را بطریق ذیل قرائت کردند] .

ماده ۶ - شخصی که باو حواله شده است هر گاه برات را قبولی نوشت با داده وجه قبولی خود ملزم است .

توضیح - قبولی نویسنده در صورتی ملزم به داده وجه است که برات گیرنده اعتبار در امانی او را مطلع بوده نقل این وجه را بنده او راضی شود والا در موقعی که قبولی نویسنده از ادای این وجه امتناع نماید بحواله کننده رجوع خواهد نمود قبولی نباید ملزم بشروط باشد .

حاج امام جمعه - این را باید ملتفت شد که آنقسمتی که اول خوانده شد آن اصلاح بنده نیست آن ماده است که از مجلس گذشته است آن شخصی که باو حواله شده است هر گاه برات را قبولی نوشت با داده وجه قبولی نوشته خود ملزم است (این همان ماده است که گذشته است و همان اشکالاتی که جناب وزیر گفتند پیدا میکند و فرض بنده این بود که آن جزء اول اصلاح بنده مبنی باین بوده است که اگر نمایندگان بخواهند که آن ماده که گذشته است بکلی نسخ شود و اصلاح بشود این اصلاح بنده آنرا اصلاح میکند والا مقصود دیگری نداشتم مقصود بنده در آن بود که آنرا ماده ۸ قرار دادم که عرض کردم و منظور هم همین بود که ذمه حواله کننده اولی که آنجا گفته اند [الانادرا بری] نمی شود و آنقسمت اول جزء اصلاح بنده نیست .

رئیس - رای میگیریم باین اصلاح آقایانی که قابل توجه می دانند قیام نمایند .

[رد شد]

رئیس - آقای مدرس پیشنهاد فرمودید که بجای لفظ حواله لفظ برات نوشته شود .

آقا سید حسن مدرس - بله

رئیس - در این جا همچو چیزی نیست .

آقا شیخ ابراهیم - کلیتاً این زیادی است شخصی که برات بعهده اومی شود این عبارت غلط بوده

آقا سید حسن مدرس - بنده يك توضیحی داشتم .

رئیس - درجه خصوص

آقا سید حسن مدرس - در همین برات و حواله توضیحی داشتم اگر جایش هست عرض کنم

رئیس - جایش نیست .

(ماده ذیل را کمیسیون پیشنهاد کرده بود)

ماده (۱۳) - مواد ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ که اصلاح شده ماه پس از اعلان و انتشار آن بموقع اجرا گذاشته خواهد شد .

معمین الرعایا - این ماده در موقعی خوب است که مواد سابق از کمیسیون برگشته باشد و اگر از امضاء کمیسیون بر سریم هیچ کدام مطلع نخواهند بود از این جهت بنده تقاضا می کنم از مجلس شورای ملی موافقت کند این چند ماده را رجوع بکنند و وزارت تجارت چون این ماده مبتلا به تجارت است در این

مسئله گفتگو کنند و از آقایان علماء هم حاضر باشند يك تغییر بدهند .

رئیس - این مطلب راجع باینجا نیست .

حاج معین الرعایا - تقاضا می کنم .

رئیس - موقعش این جا نیست - شور اول این قانون تمام شد ارجاع می شود با اصلاحات بکمیسیون .

ده دقیقه تنفس داده می شود بعد از تنفس قانون پستی است .

رئیس - رایورت شنبه پنجم نیز قرائت می شود (رایورت مزبور بمضمون ذیل قرائت شد)

شعبه پنجم ۳ جلسه برای رسیدگی با اعتبارنامه سالار الملک منتخب کرسی در تحت ریاست آقای معز الملک منعقد گردید چون مذاکره شد که سالار الملک در هنگام انتخاب بستی و ریاست فوج کروس برقرار بوده از وزارت جلیله چنگ کتباً تعقیق و معلوم شد در هنگام انتخاب سالار الملک بر ریاست فوج مقرر بوده هنوز سرتیپ رئیس فوج مزبور است لهذا مطابق فقرة چهارم از ماده هشتم نظامنامه انتخابات مجلس شورای این انتخاب باطل است و شعبه پنجم آنرا بانفاق آراء رد می نماید و باید تجدید انتخاب شود مخبر شعبه امان الله

رئیس - رای می گیریم باین رایورت شعبه پنجم که انتخاب سالار الملک رد کرده است .

آقا شیخ علی شیرازی - بنده عرضی دارم

رئیس - مخالف هستید .

آقا شیخ علی - بلی

رئیس - حالا که مخالف هست بماند برای جلسه دیگر که طبع و توزیع شود قانون پستی جزء دستور امروز است زمانا کرات در کلیات باید بشود مخالفی نیست .

(اظهاری نشد)

رئیس - رای می گیریم که داخل در شور مواد بشویم آقایانی که موافقت قیام نمایند .

(با کزیرت تصویب شد)

ماده ۱۰ - از لایحه وزیر - اداره پست مکلف است که اولاً مسافرین و بنه آنها را بایستهای مقررری پوستهای فوق العاده حمل نماید .

ثانیاً - اشیاء مفصله ذیل را در تمام مملکت قبول و حمل و توزیع نماید .

پاکات معمولی - پاکات وسایر اشیاء سفارشی پاکاتی که جاری وجوه بیمه شده هستند - امانات پستی سریع السیر - امانات پستی بطی السیر - کارتهای پستی - جرایم و مطبوعات از قبیل مستوره های مال التجاره ادراک کار مراسلات راجعه به ادارات دولتی که مجازاً حمل و نقل می شود .

ثالثاً - بروانی (مانند پست) بدهد که در دفاتر پستی داخله مملکت تأدیبه شود (کمیسیون عیناً تصویب کرده بود)

رئیس - باماده اول مخالفتی نیست .

حاج شیخ الرئیس - بنده مخالفتی ندارم

فقط عرض می کنم پاکات لفظار گپکی است خوب است یا کتها بنویسند .

رئیس - ماده دوم قرائت می شود .

ماده ۲ - از لایحه وزیر - اداره پست امتیاز فقرات ذیل را بطریق انحصار دارا است .

اول - حمل و نقل منظم و مقرر مسافرین و بنه آنها از راه خشکی و آب .

ثانیاً - حمل و نقل مسافرین و بنه آنها توسط دستگاههای فوق العاده .

ثالثاً - مراسلات اهم از اینکه سرباز باشد یا سربسته .

رابعاً - کارتهای پستی .

خامساً - جرایم و اعلانات و اوراق - اخطاریه - تعرفه نامه - صورت قیمت اشیاء و اوراق از هر قبیل در صورتی که اسم گیرنده در روی آنها نوشته شده باشد .

سادساً - امانات پستی کمیسیون عیناً تصویب کرده بود .

افتخار الواعظین - اینجادر رایورت کمیسیون فوائد عامه در ذیل اصلاحات این قانون که تقدیم مجلس می نماید ملاحظه خواهید فرمود که اینجا از طرف کمیسیون تقاضای فوریت می شود و بنده استدعا می کنم از آقای رئیس که فعلاً در فوریت آن موافقت تقاضای کمیسیون رای بگیرند .

رئیس - موقعش گذشته قبل از آنکه داخل مواد بشویم می خواستید تقاضا بفرمائید حالا دیگر موقع نیست .

حاج عز الممالک - بنده انحصار مسافرین را نصبت بد است غلط می دانم بجهت اینکه مسافرین که از خطی حرکت می کنند بطور می شود انحصار کرد این را خوب است توضیح بدهند معارن وزارت پست و تلگراف این انحصاری که در اینجا نوشته است نه این است که هر کس می خواهد مسافرت کند مجبور است که با پست دولتی حرکت کند پست دولتی را باید نظر به این کرد که مردم البته باید يك مسافرتی که می کنند چون این مسافرت بتوسط کاری ما است که اینجا نوشته شده است مسافرینی که بواسطه آن کاریها حرکت می کنند باید کارهای آنها پستی باشد این را لابد باید از طرف دولت بيك شخصی اختیار داده شود تا اینکه آن شخص که می آید این کار را بکند باید موافق يك قیدنامه بیاید از دولت اجازه و امتیاز بگیرد و این حمل و نقل را بکند و چون دولت دارای بيك پست منظم و مرتبی است پس بهتر این است که این امتیاز با خود دولت باشد و به آن کسی که از طرف دولت مأمور این کار است و بتواند همه قسم ضامن حمل و نقل مردم باشد این امتیاز را بدهد .

محمد هاشم میرزا - بعقیده بنده این ماده باید خصوصی باشد بجهت اینکه تمام نقاط ایران که پست ندارد و خیلی اسباب اشکال است برای مردم مخصوصاً در بعضی نقاط هست کاغذ هائی که با پست فرستاده می شود شش روزه میرسد و اگر بقاصد مکاری بدهند دو روز میرساند و این

اگر بنا شود که دولت انحصار بخودش نماید و خودش اداره بشاید مردم هزار کار دارند و کارشان زمین میماند مثل آنکه از سبزواری بشهد ممکن است قاصد سه روزه برود و کاری و پست دولتی باید از راه رسمی منزل بمنزل برود خیلی طول خواهد کشید و این هیچ جهتی ندارد که برتجار توضیح بشود که حق نداشته باشد کاغذی بتوسط مکاری وغیره بفرستند و اینکه در ماده سیم تسجیل شده و آنجا نوشته شده است که کاغذهای شخصی راجع بیازنامه مکاری است بعقیده بنده کلیتاً وصولش برای طرف مقابل معتبر می شود و این امر باید سهل تر باشد و مردم را نباید بتضییق انحصار انداخت که کارشان بتعویق بیفتد بواسطه اینکه پست از راهی که ده روزه میرود اگر مردم را از طرق نزدیکتر ببرند دوروزه میرند .

کاشف - این اظهارات حضرت والا در این موضوع هیچ صورتی ندارد بجهت اینکه دولت میخواهد برای جاهانی که پست مرتب و منظمی هست بواسطه انحصار آن ترتیب را بدهد در جاهانی هم که اداره پست نیست و وسایط حمل و نقل نباشد اداره تاسیس خواهند کرد برای سرعت حمل و نقل اگر با بشود همه آن اختیار را داشته باشد هیچ ممکن نیست که دولت مومن بشود به این کار و این مطلب عمومیت دارد در همه جا بادولت است و بنده تعجب میکنم از آقایانی که مخالفت میکنند در همه جای عالم پست منحصر بپولت است و هیچ کس نمی تواند غیر از دولت یعنی اشخاص متفرقه نباید ترتیب اداره پست بدهند این چیزی نیست که مذاکره داشته باشد عقیده ام اینست که رای گرفته شود .

معمین السلطنه - در قسمت ثانیه بنده مخالف هستم ولی کاغذ پاکات باید بتوسط دولت باشد و ایراد محمد هاشم میرزا وارد نیست برای اینکه پست مسلم زودتر از قاصد حرکت می کند و تقاطعی که پست در آنجا نباشد البته آزاد خواهد بود و اما در باب مسافر و بار و بنه يك ایرادی وارد است و آن اینست که این مسافرین را عیناً باین حمل و نقل دستگی در کاری های پستی قبول می کنند و حمل می کنند بواسطه پولی که از مسافرین گرفته می شود مخصوصاً جبران آن پولی است که از آنها گرفته می شود می کنند آقایان نمایندگان اغلب مسجولند که حمل و نقل با ریاست در تمام نقاط خیلی اسباب اشکال خواهد شد و اگر آن مسافر .

رئیس - شاموافق هستید .

معمین السلطنه - خیر انحصار اینکار را به پست خانه صلاح نمی دانم و قلع می دانم یعنی مسافرین و بنه را بملت اینکه معنیش این میشود که صاحبان راه حمل و نقل میکنند و این مستلزم این میشود که قراردادی از برای حمل پست ببندیم و آن قراردادی که تازه از برای حمل پست آنها میخواهید ببندید آن گرانتر خواهد بود از اینکه حالا هست بواسطه این که چنانچه حالا عرض کردم و این تنها اگر باشد ضرر ندارد فقط مسافر مختلفه اسباب اشکال می شود و صرفه ای هم ندارد یعنی انحصار بخودش بدهد و مسافرین را خودش برود حمل و نقل بآنها بکنند

از این راه صرفه نخواهد برد اینکار را اداره پستخانه نمی تواند بکند و بالأل منجر به این میشود که اسبابی که باید حمل و نقل شود گرانتر از حالا خواهد شد و صرفه هم اداره پست از این راه نبرده باشد.

رئیس - مذاکرات کافی نیست [اظهار شد کافی است]

ماده ۳ - از لایحه وزیر - حمل و نقل اشیاء ذیل از امتیاز انحصاری پست خارج است اولاً اشخاصی که بابت و اسبابشان بار آهمن یا بوسیله دیگری که امتیاز آن قبل از وضع این قانون داده شده است مسافرت می نماید .

ثانیاً - بکارت یا مرسولاتی که توسط بعضی ارادارات عمومی حمل می شود بتبیین شرایط و حدودش با دولت است .

ثالثاً - مرسولاتی که اشخاص مختلفه توسط گماشتگان خود برای یکدیگر می فرستند و مرسولاتی که مردم به پست خانه میبرند و یا از پستخانه می گیرند .

رابعاً - مرسولاتی که اشخاص مختلفه حامل آنها هستند و راجع به امور شخصی خود آنهاست . خامساً - بارنامه و صورت حسابهای سربازی که تجار به همراهی مال التجاره خود می فرستند و شامل مطلب دیگری جز اطلاعات راجعه به تحویل دادن مال التجاره نیست .

سادساً - اوراق راجعه بسایر ادارات حمل و نقل عمومی که با وسایل حمل و نقل خودشان فرستاده می شود .

سابعاً - مرسولات متبادله فیما بین دول خارجه و نمایندگان آنها از قبیل سفراء و وزراء و قونسولها که در مملکت ایران به سمت رسمیت میکنند و در خروجیهای سفارتی به موجب قرار دولتی حمل و نقل می شود .

ثمنناً - مرسولاتی که از نقطه ای بنقطه ای ارسال می شود که در آنجا پستخانه نباشد [کمیسیون عیناً تصویب کرده بود] .

حاج سید ابراهیم - بنده عرض می کنم گویا يك فقره باید از اینجا استثناء شود که این جا نشده است و آن این که مسافرین چه با کاری باشد چه با عرابه یا در شکله باشد از خط پست باشد یا از غیر خط پست چرا بجهت اینکه امتیاز سرعت سیر آن با اداره پست داده می شود این مطلق مسافر را بگوئیم انحصار بدهند این نمی شود اما مطلق مسافرت چون نیست این یکی هم باید آشنا بشود .

کاشف - در ماده قبل گفته شده است مسافرین که بخواهند بایست حرکت کنند و هیچ این قید لازم نیست که در اینجا ذکر شود که آزاد هستند همین طور که معمول است البته آزاد هستند و هر طوری که بخواهند مسافرت بکنند معتقد رند .

رئیس - دیگر مخالفی نیست .

دکتر حاج رضاخان - این توضیح که داده شد بدتر شد و اگر کسی که می خواهد بایست حرکت کند البته مختار است این مختار است لازم نیست که قانون برایش بگذاریم و لازم نیست استثناء برایش

بکنیم چطور آن چیزهایی که در آن ماده جزء است استثناء دارد دولتی از برای مسافر هیچ استثناء ندارد و این هیچ از آن فهمیده نمی شود این توضیحات را خوب است یا آقای مخبر یا آقای مامان بدهند برای این که ذهن ها باز شود و الا رفع اشکال نمی شود .

ارباب کبخی - در اینجا که نوشته اند - اولاً - اشخاصی که بنه و اسبابشان بار آهمن یا بوسیله دیگری که امتیاز آن قبل از وضع این قانون داده شده است بنده هیچ نمی فهمم مثلاً راه های معمولی که هیچ امتیازش داده نشده است با آنها چه معامله خواهد شد چون نوشته اند که فقط راه هایی که امتیازش داده شده است .

معاون وزارت پست - آن توضیحیکه در ماده اول عرض کردم اگر چنانچه در نظر بگیرند آقایان بقرینه بنده رفع تمام اشکالات آقایان می شود مسافرتی که انحصارش به پست می دهند وقتی است که با عراده حرکت می کنند بجهت اینکه دولت بمدار اینکه خواست عراده غیر عراده پستی حرکت بدهد لازم است با یک نزاری بدهد که حرکت بدهد چرا بجهت اینکه آن عراده در راه شوشه باید حرکت بکند و در صورتی که برای حرکت دولت باید آن راه را شوشه بکند و منظم باشد و این را هم آقایان باید در نظر بگیرند که این راجع به امروزه نیست که راه شوشه دو تا یا سه تا بیشتر نداریم باید نظر باین کرد که راههای شوشه خواهیم داشت وقتی که راه شوشه دولت داشته باشد پس باید یک کاری خانه امتیاز بدهیم که مردم را با کاری حمل و نقل بکنند وقتی که دولت این انحصار را میدهد چه ضرر دارد که این انحصار را با اداره پست خودش بدهد بطوری که فرمودند این خسارتی را که الان دولت دارد از این راه برد همینطور است که دولت نمی تواند کاری از پیش ببرد مثلاً همین راه خراسان منحصر شد به مرسولات تهائی اسباب خسارت دولت خواهد شد و وقتی که انحصار حمل و نقل اشیاء و اشخاص را با عراده پست دادند ممکن است که دولت هیچ ضرری نبرد و این هم هیچ ضرری ندارد از برای مردمی که می خواهند حرکت بکنند می آید از پستخانه بلیط می گیرد و حرکت میکنند می خواهد بطور سریع السیر میرود می خواهد بطور بطی السیر میرود اداره هم که می تواند که بانواب خودش قرار بدهد چیزی که امروز می گیرد خیلی کمتر بگیرد با ادارات خودمان مذاکره کردیم که بعد از اینکه این قانون بگذرد می توانیم این قرار را بدهیم در صورتی که برای مردم هم هیچ خسارتی وارد نخواهد شد آنها همین خرج را در حرکت خودشان میکنند بلکه سریع تر خواهند رفت

رئیس - گویا مذاکرات کافی است

آقا شیخ اسدالله - خیر مذاکرات کافی نیست .

رئیس - اینکه فقط شما اعتراض می کنید این دلیل بر این نیست که من مذاکرات را ختم کنم .

رای می گیریم آقایانی که مذاکرات را کافی می دانند قیام نمایند .

ارباب کبخی - در کتب تصویب شد .

ماده ۴ - از لایحه وزیر - فرمانده هرجهازی که وارد یکی از بنادر ایران می شود یا در حین عبور در آنجا نگر می اندازد باید مرسولات و سایر اشیاء راجعه بامتیاز انحصاری پست را که در کشتی موجود است بزرگترین دفتر پست تحویل بدهد ولی اشیاء ذیل از این قانون مستثنی است اولاً - مرسولاتی که بعنوان پستخانه غیر از پستخانه مذکور است و یا بعنوان یکی از دفاتر پست خارجه است که باید همان کشتی بمقصد برساند ثانیاً - اوراق راجعه بار های کشتی که محتوی در پاکتهای سرباز باشد مخارجی که به فرماندهان کشتیهای فوق العاده بجهت حمل پاکت ها وسایر اشیائی که از مالک ماوراء البحر یا بدان مالک ارسال می شوند باید تأدیه شوند از طرف دولت معین خواهد گردید .

رئیس - مخالفی نیست .

رئیس - اینک فقط شما اعتراض می کنید این دلیل بر این نیست که من مذاکرات را ختم کنم . رای می گیریم آقایانی که مذاکرات را کافی می دانند قیام نمایند .

اولاً - مستورجات تجارتنی وسایر اشیائی که محتمل ایراد خطر برای اجرا باشد یا آنکه مرسولات پستی را کثیف و ضایع کند .

ثانیاً - مرسولاتی که حقوق یا کتی یا تله تلغ میگیرند و نشان ازدوست مثال بیشتر در صورتی که کاملاً تمبر زده نشده باشند .

ثالثاً - مستورجات مال التجاره که بیش از هفتاد و پنج مثقال وزن داشته باشد .

رابعاً - جوهر خشک یا محلول و رنگهای ملونه خشک یا مایمی که جوهر در آن ها داخل باشد .

خامساً - کارت های پستی و کتابها و اوراق مطبوعات و تصاویر و اشکالی که مورث شورش و فتنه یا مخالف قوانین مذهبی یا اخلاقی باشد .

(کمیسیون جزو پنجم این ماده را اینطور پیشنهاد کرده بود)

عبارت قوانین مذهبی به [ضروریات اسلامی] تبدیل شود .

معین الرعایا - میخواستم عرض کنم که میزان مستورجات هفتاد و پنج مثقال کم است اقلش باید کمتر از صد مثقال باشد بجهت اینکه مستورجات ممکن است يك مستوره است و از هفتاد و پنج مثقال و زرش بیشتر است خوب است اقلش صد مثقال نوشته شود .

حاج سید ابراهیم - بنده عرض می کنم جوهر خشک را خوب است بنویسند جوهر رنگ که لفظ مطلق معلوم نیست ثانیاً همان قوانین مذهبی که در پیشنهاد وزیر است بهتر است از اینکه ضروریات اسلامی در کمیسیون تبدیل شده است چنانچه طبعش متنوع است حملش هم ممنوع باشد .

افتخار الواعظین - چون قوانین مذهبی کلمه ایست مجمل و مبهم و بدیهی است که شامل سایر مذاهب هم خواهد شد و این مطلبی که در راپورت کمیسیون نوشته شده است ضروریات اسلامی لفظ ضروریات بدیهی است شامل مذهب اسلام میشود و بنده نمی دانم که آقایان چه ایرادی دارند به این اصلاح کمیسیون و حال آنکه کمیسیون لفظ مجمل را اصلاح کرده و توضیح داده است .

معاون وزارت پست - این مطلبی که جناب معین الرعایا در خصوص وزن اظهار فرمودند چون این جمله از روی قانون بین المللی ترجمه شده است و این مستورجات از فرنگ باید بیاید چون از آنجا پیش از این اجازه نمی دهند به این جهت نوشته شده است هفتاد و پنج مثقال .

معین السلطنه - اداره پست تصور میکنم که امتناع داشته باشد از اینکه اسلحه یا موادی را که احتراق داشته باشد حمل کنند و اینجا اظهار نشده است .

افتخار الواعظین - در ماده بعد خواهد آمد .

رئیس - گمان میکنم مذاکرات کافی است

ماده ۷ - از لایحه وزیر - اداره پست از حمل

ماده ۷ - اداره پست در حمل و نقل اشیاء ذیل مجبور نیست .

اولاً - اشیاء شکستنی و اشیاء شکسته به بعضی دست خوردن جزئی ضایع می شود .

ثانیاً - اشیائی که بار کردن و محافظت آنها مشکل است .

ثالثاً - اشیائی بملت حجم یا وزن باطره لافاف بندی توسط پست اشکال دارد .

رابعاً - اشیائی که وسایل حمل و نقل حاضره برای حملشان کافی نیست .

حاج سید ابراهیم - این جا مطابق شکستنی را نوشته است و همین استثناء مطلق شکستنی صحیح نیست اگر محفوظ باشد چه عیب دارد مثلاً شیشه دواتی است ادرا هم خیلی محفوظ و مطبوعش نموده چه ضرر دارد از این که قبول نکنند .

افتخار الواعظین - این جا می گوید مجبور نیست یعنی پست در قبول کردن او مجبور نیست و مسئولیت آنرا قبول نمی کند اما اگر دید که يك چیزی است قابل حمل و نقل است البته قبول می کند و اگر دید که خیر يك چیزی است شکستنی و درست محفوظ نشده قبول نمی کند مقصود اینست مجبور نیست .

رئیس - مخالف دیگری نیست .

بهجت - این جا می گوید مجبور نیست ممکن است در جای دیگر حمل بشود مثلاً راه نزدیک باشد یا چیز دیگر چون این قانون نوشته می شود و راجع است بکلی ادارات پستی ممکن است که ادارات جزء بگویند ممکن است و حمل بکنند پس خوب است يك طوری نوشته شود که آن چیزهایی که حمل و نقلش اسباب خسارت اداره پست می شود حمل نکنند .

رئیس پیشنهاد بفرمائید تارای گرفته شود

افتخار الواعظین - این جا معلوم است نظریات رؤسای پستخانه شرط است می بیند اگر چنانچه این امانت را بيك طریقی لغاف کردند که محفوظ از شکستن است و می تواند او را حمل کند و اگر البته او را قبول می کند و اگر دید که محفوظ از شکستن نیست یا این که وسایل نقل طوری است که بواسطه آن حرکات تند سریع کاری با آن وسایل حمل و نقل بشکند این جا مجبور بقبول کردن نیست .

رئیس - دیگر مخالفی نیست .

ماده ۸ - اداره پست با تصویب دولت عهد و مکان و وظائف پستخانه را تعیین نموده ترتیب برداشتن مرسولات را از جنبه های پستی و ارسال و توزیع آنها را مقرر میدارد .

رئیس - مخالفی نیست

ماده ۹ - قرائت می شود .

ماده ۱۰ - ارتباطات پستی را با مالک خارجی دولت بر طبق قانون اساسی بوسیله قرار دادهای بین المللی محکم نموده و حقوق پستی را که از این بابت در مملکت ایران باید دریافت شود تعیین می نماید .

رئیس - مخالفی نیست .

ماده ۱۰ - اداره پست مجاز است که برای احداث پست مقرر بجری فی مابین مملکت ایران و نوعی ماوراء البحر با اشخاص مختلفه قرار دادی بگذارد .

(کمیسیون مواد ۷ و ۸ و ۹ و ۱۰ را عیناً تصویب کرده بود)

آقا شیخ اسدالله - میخواستم عرض کنم که توضیح بدهم که قرارداد مخصوص چه چیز است که مجلس رای بدهد در اینکه اداره پست مختار باشد يك قرارداد دادی بشاید در صورتیکه معلوم نیست که آن قرارداد چه قرار دادی است .

افتخار الواعظین - اینجا مراد از نواب راههای شوشه است و کمیانی کشتیها است مثلاً دولت در بوشهر بندر عباس با کمیانی يك کشتی قرار میکنند که تمام مرسولات پستی دولت ایران را از آنجا جا حمل کنند تا آنجا دولت حق دارد آنجا بعضی قرارها با آنها در حمل و نقل کتیبها بگذارد و این هیچ ایرادی ندارد .

حاج عز الممالک - اینجا در حقیقت اجازه معلی داده میشود بدولت و معین نیست مثلاً شاید امتیاز پست بنادر را دولت بدهد بيك کمیانی بنده عرض میکنم که دولت اگر اجازه پست آنجا را داد به بيك کمیانی این باید بطور وضوح معلوم باشد یا اینکه ماده باید حذف شود .

آقای میرزا ابراهیم خان - اینجا اگر دقت کرده باشید میگوید اداره پست مجاز است بانواعی ماوراء البحر قرار بگذارد و تصور می کنم دولت نباید در اختیارات راجعه به اصلاح و تنظیم داخلی دوائر محدود کرده .

آقا شیخ اسدالله - مطلب در همین جا است دولت را مجاز کرده که يك نزاری بگذارد در خصوص اینکه مرسولات و امانات رد و بدل میشود با پست خارجه شاید نظر اداره پست به این باشد که امتیازش را بيك کمیانی بدهد و همانطور باشد که حاج عز الممالک فرمودند بنده عرض می کنم مانی تو انیم همچنین اجازه بدولت بدهیم که هر قرا دادی بخواهد بگذارد و بدون اطلاع مجلس امتیاز بدهد .

دکتر اسماعیل خان - این فصولی را که اینجا ملاحظه می فرمائید بيك چیزهایی است که در ایران الان معمول به است و این حق را دولت دارد که قرائی بانواب خودش بگذارد و این چیزی نیست که بیاید در مجلس در اینجا کمی نویسد قطعه بخواهد از برای اینکه واضح و قانونی باشد این است که توضیح میکنند که بانوابهای با راه شوشه و جاهای دیگر کمیانی هائی که هستند مثلاً از لوی و سایر بنادر قرار دادی اداره پست با آن اداره می گذارد که پاکت ها و اماناتی که باید حمل شود و بجه ترتیب حمل بکنند و این گمان نمی کنم که انکالی داشته باشد .

رئیس - مخالفی دیگر نیست .

[مخالفی نبود]

ماده ۱۱ فراتر میشود .

ماده ۱۱ - اداره پست مجاز است که مراسلات غیر قابل توزیع را باز نماید تا بتواند اطلاعات لازم را از محتویات آنها بدست آورده مراسلات مذکور را با اشیاء و اسناد قیمتی که در جوف آنها است بصاحبانش برساند مراسلات غیر قابل توزیع که صاحبی از برایش پیدا نشود پس از انقضای مدتی که تعیینش با دولت است معدوم خواهد گردید ولی یا کتبهای غیر قابل زودتر از یک سال معدوم نخواهد شد .

حاج سید ابراهیم - این لفظ غیر قابل توزیع معلوم نیست باید بیان کرد که این غیر قابل توزیع آن است که صاحبش معلوم نیست یا چیزی دیگر و علاوه آن مدتی را که معین می کنند که تا آن مدت اگر بصاحبش برسانید آنوقت دیگر نمی تواند خوبست این را هم در همین ماده معین کنند که محتاج ماده دیگر نباشد .

رئیس - راپورت کمیسیون را در این باب نخوانند فراموش شده حالا میخوانند و رفع این اشکال خواهد شد .

آقا میرزا ابراهیم خان - کمیسیون لفظ (مراسلات) را در سه موقع تبدیل به (مرسولات) نوده و توضیحی هم از این قرار در آخر ماده داده مرسولات غیر قابل توزیع عبارت است از یا کتبه و بستههایی که عنوان آن محو شده و نتوان مقصد را معلوم کرد و نیز فرستنده معلوم نباشد

رئیس - بعد از این اصلاح کمیسیون باز مخالف هستید .

(اظهار شذخیر)

رئیس - پس دیگر مخالفی نیست

محمد هاشم میرزا - در راپورت کمیسیون نوشته است کسی که یا کتی فرستاده باشد و فرستنده معلوم نباشد این قابل توزیع است توضیح بدهند که ملتفت شویم یعنی چه فرستنده یا کت که مدخلیت ندارد باید یا کت مهر داشته باشد .

معاون وزارت پست - آقا گویا اشتباه فرموده اند در اینکه آن کسی که یا کت را میفرستد پیدا نشود غیر آن کسی که برای او میفرستد اگر او پیدا نشود مثلا آن آدرسی که روی یا کت می نویسد در مجله سنگلج یا فلان جا و معلوم نباشد و مقصود این است که بتواند آن ناطقه ای که معین میشود پیدا کند یا بواسطه اینکه در بین راه باران خورده محو شده یا بجهت دیگری معلوم نیست که صاحب یا کت کیست او را می گوید یکسال در جمعه بخصوصی باید گذارد و اعلان هم بدهد در آن شهر اگر هستند و پیدا شدند که این یا کت بعنوان او است نباید یا کت خودش را بگیرد و اگر ممکن نشد اداره پست مأذون باشد که سر آن یا کت را باز کند بلکه بعد از باز کردن چیزی معلوم شود که بتواند برساند و الا بعد از مدت معینی معدوم کنند .

محمد هاشم میرزا - عرض میکنم که اشتباه در لفظ فرستنده است فرستنده آن کسی است که کاغذ را میفرستد پیدا کردن او چه ربطی به آن کسی دارد که این یا کت را فرستاده است بنده این مطالب را نمی فهمم .

منتصر السلطان - این یا کتها چندین قسم فرستاده می شود یک قسم اینکه در توی جعبه های پستی که در اغلب جاها معمول است و اشخاصیکه مجله دارند اغلب فراموششان می شود و بدون آدرس میاندازند در میان آن جعبه و وقتی که می رود به پستخانه می بینند کاغذی است بدون آدرس و بعضی اوقات هم می شود آدرس را می نویسد ولی شهرش را نمی نویسد یا این که می نویسد ولی خواننده نمی شود به این ملاحظه اداره پست در هر شهر و هر جا مثلا بعنوان اصفهان آن نوشته شده یا کت می رود به آنجا ولیکن نمره کوچه و نمره خانه او معین نیست این یک مدتی در پشت جعبه های شیشه گذاشته می شود و صاحب آن یا کت ممکن است هر چند روزی بیاید پشت آن قفسه های شیشه ببینند آن یا کت های آنجا هست مال آنها است یا نیست اگر هست که می برند و اگر نیست همان قسمی که آقای معاون فرمودند می برند و آن چیزهایی که در جوف او است ضبط دولت میشود .

رئیس - پس این راپورتی که اینجا است این مطلب را نمی رساند مقصود فرستنده نیست مقصود طرف است .

منتصر السلطان - بله مقصود آن کسی است که این بعنوان آن فرستاده میشود .

ارباب کیخسرو - بنده این ماده را می بینم کج فهمیده میشود و اسباب زحمت میشود خیلی باید واضحتر نوشت که هیچ اسباب زحمت مردم نشود بجهت اینکه ما میدانیم اشخاصی در بعضی ادارات هستند که یک وسیله قانونی بدستشان نیست خیلی کارها میکنند وقتی وسیله بدستشان افتاد کارهایی خواهند کرد و اینهم که آقای معاون فرمودند که این قانون برای چند سال دیگر نوشته می شود این را هم بنده منکرم ما قانون را برای امروز مینویسیم و الا چند سال بعد دست مقنن بسته نیست .

کاشف - این لفظ فرستنده که اینجا نوشته شده است بعد از آن توضیحاتی که داده شد اگر معلوم نشد آنوقت اسم آن فرستنده را پیدا کنند و از آن بخواهند که خودش توضیحاتی بدهد که بلکه بتوانند با او برسانند و لفظ فرستنده باین لحاظ اینجا نوشته شده است این توضیحاتی که داده شد چون رفع اشکال نشد باین جهت بنده این را عرض کردم .

حاج سید ابراهیم - بنده گمان میکنم که لفظ فرستنده صحیح است بجهت اینکه ممکن است که بخودش برگردانند و آقای معاون درست نتوانستند بیان کنند همین کاغذ را بگوئیم بهمان جانی که از آنجا آمده است بر گردد این ضرر ندارد با آنکه یا کت هایی که مقصودش معلوم نیست یا اینکه مجهول است باید که اصلا پستخانه قبول نکنند و قبلا هم اعلان بکنند که دیگر پستخانه قبول نمی کند یا اینکه عنوان مقصد را معین بکنند .

معاون پست - فرض اینجا هر دو مطلب است یک قدری باید مفصل تر عرض کنم که آقایان مستحضر شوند الان هم معمول است و چهارای هم ندارد در اینکه اگر کسی کاغذی دارد پستخانه و فراس

نتوانست صاحب آنرا پیدا کند لابد است از اینکه یک مدتی یا کت را می برند در محلات میگردانند و اعلان در روزنامهجات می کنند تا یک مدت معینی اگر صاحبش پیدا نشده ثانیاً ناچار باید آن یا کت را رجعت بدهند بآن محل و اگر باز مجدداً برگشت مقصد و ناچارند که این را پیدا کنند هر گاه پیدا نشد آنوقت سر آن یا کت را باز می کنند ببینند توی این یا کت چیست برات است وجهی است یا چیزی دیگر شاید براتی باشد که بتواند از روی آن برات صاحب او را پیدا کند مقصود کلی از این ماده اینست که بهر طریق بتوانند بلکه او را باو برسانند و غیر از این راهی که در اینجا نوشته شده است از برای اداره پست راه دیگری بنظر نمی آید که سهل تر باشد اگر آقایان بنظرشان می رسد بفرمایند .

محمد هاشم میرزا - عرض کنم این فرمایشات و توضیحات آقای معاون در مقصودشان درست است لکن راجع باین ماده نیست بنده عرض میکنم که این ماده میگوید این را بلی گیرنده کاغذ اگر معین نشد و آن فرستنده هم معین نیست که برای او دو مرتبه بفرستند آنوقت اداره مجاز است باز کنند همانطور که مقصود خود آقای معاون است ولی این ماده وجهاً من الوجوه کافی نیست و پیشنهادی کرده ام استدعا دارم که خواننده شود .

افتخار الواعظین - بنده از تمام آقایان محترم استدعا میکنم که راپورت کمیسیون را ملاحظه بفرمایند اگر نقصی دیدند آنوقت تعرضی بکنند زیرا کمیسیون مشروط بشرط کرده است که این فرمایشات حضرت والا است و معهدا حضرت والا مخالفت کرده اند مخصوص میگوید که مرسولات غیر قابل توزیع و نیز فرستنده او معلوم نباشد این شرط معلوم است اگر فرستنده در شیراز است و آن یا کت را از شیراز فرستاده است البته می فرستند از برای او که این یا کت را فرستاده است و اگر نه آن کسی که فرستاده است پیدا شود و نه گیرنده معلوم باشد آنوقت در آن منظر های معینی که برای این کار معین شده است تا یکسال آنرا می گذارند اگر صاحب او معین شد با او می دهند اگر پیدا نشد آنوقت باز میکنند که شاید بتوانند از جوف یا کت مقصد را بفهمند و برسانند و اگر هیچگونه راه از اینها میسر نشد آنوقت معدوم میکنند .

رئیس - مذاکرات کافی است .
دو فقره پیشنهاد شده است یکی از آقای محمد هاشم میرزا و یکی از آقای فهیم الملک قرائت می شود (بنده پیشنهاد میکنم نوشته شود فصل ۱۱ که اگر گیرنده پیدا نشد و اسم فرستنده معین نیست پستخانه مجاز است که باز نماید) .
(محمد هاشم میرزا) .

محمد هاشم میرزا - در آخرین فرمایشاتی آقای مخبر کردند قانع شدم از اول تا بحال فرمایشات ایشان را ملتفت نشدم لهذا پیشنهاد خود را مسترد می دارم .
(پیشنهاد فهیم الملک بعبارت ذیل خوانده شد)
(بنده پیشنهاد میکنم که بجای لفظ مرسولات

غیرقابل توزیع نوشته شود (مرسولات معطله)

فهییم الملك - این لفظی که بنده عرض کردم چون در بعضی نوشتجات دولتی و بعضی مراسلات این لفظ نوشته شده است (مرسولات معطله) و آن اینست که صاحبش معلوم نیست و عنوان او هم محو شده است با آن شرحی که آقای مخبر و معاون وزارت اظهار فرمودند حالا اگر باین لفظی که بنده عرض کردم و همان چیزی است که معمول است در اسناد رسمی بهتر است از اینکه یک چیزی تازه مصطلح کنند یا لفظ غیر قابل توزیع.

رئیس - چون این اصلاح عبارتی است و مدلول ماده را تغییر نمی دهد بر می گردد بکمسیون ماده ۱۲ قرائت میشود.

ماده ۱۲ - وجوهاتی که با اداره پست سیرده میشود و وجوهی که در پاکتهای غیر قابل توزیع یافت میشود نمی تواند بهیچوجه بصاحبانش برساند پس از انقضای مدت سه سال از تاریخ تحویل بیستخانه ضبط خزانه دولت می شود و همچنین اشیائی که در امانات پستی غیر قابل توزیع یافت می شوند و صاحبان آنها معلوم نیست بترتیب و مدتی که اداره پست معین می نماید بفروش رفته و قیمت آنها در صورتی که از طرف صاحبانشان مطالبه نشد پس از انقضای موعده فوق الذکر متعلق بخزانه دولت خواهد بود.

(کمسیون اینطور پیشنهاد کرده بود)

جزء اول فصل ۱۲ در کمسیون از قرار ذیل تصویب شده بقیه از پیشنهاد وزیر هم وجوهاتی که با اداره پست سیرده می شود و وجوهی که در پاکت های غیر قابل توزیع یافت می شود و بیستخانه بهیچوجه نمی تواند بصاحبانشان برساند تا سه سال در تحت نظر عمومی گذاشته می شود که صاحب آن پیدا شود و اگر در آن مدت صاحبی برای آن پیدا نشد به خزانه دولت تحویل می شود ولی تا هر وقت از زمان اگر کسی بدلائل قانونی مالکیت خود را ثابت نماید اداره پست از خزانه استرداد و در وجه او عاید خواهد شد.

رئیس - مخالفی نیست؟ (اظهاری نشد)
بقیه این قانون میماند برای جلسه بعد قبل از اینکه داخل بشویم يك مطلبی بود که لازم است عرض کنم اغلب از اوقات بعضی انجمن ها آقایان را می خواهند بتلگراف خانه و بعضی از اوقات این مقارن میشود با جلسات مجلس به آقایان از حال عرض می کنم که بعد از این در صورتی که غائب بشوند و بتلگراف خانه بروند غیبت آنها را غیر موجه خواهیم دانست باید به انجمن ها اطلاع بدهند که روزهایی که مجلس یا کمسیون دارند آنها را بخوانند و عوض اینکه (۱۵) یا (۱۰) نفر را بتلگراف خانه بخوانند ممکن است يك نفر را بخوانند و مطلب را باو بگویند (گفتند صحیح است) دستور پنجشنبه و شنبه سابقاً معین شده بود ولی بملاحظه اینکه لایحه استقراضیه امروز مطرح نشد دستور فرقی می کند و علت آنها این بود که طبع و توزیع نشده بود ولی امروز طبع شده و فردا توزیع میشود

و برای پس فردا جزء دستور می شود پس دستور روز پنجشنبه از این قرار است لایحه استقراضیه - قرار داد راجع ببالصجات - دستور روز شنبه بیست و دریم قانون استخدام و قانون ثبت اسناد راجع بموادى که در ثانی بکمسیون ارجاع شده است. دستور سه شنبه بیست پنجم بقیه قانون پستی راپورت شعبه پنجم راجع به نماینده گروس - بقدر چهل نفر از آقایان هم تقاضا کرده اند که راپورت کمسیون بودجه راجع بورثه دکتور مورل در جزء دستور سه شنبه (۲۵) گذاشته شود [گفتند صحیح است].

حاج عز الممالک - راپورت کمسیون بودجه راجع بامتداد خط تلگراف از عراق بخونسار و کمره را می خواستم تقاضا کنم که دستور سه شنبه یا پنجشنبه گذاشته شود.

رئیس - عرض کردم که این قبیل تقاضا ها در مجلس کردن اسباب تضییع وقت می شود آقای ادیب التجار هم در باب فرستادن لواحق پنج اشرف اجازه خواسته بودند که مذاکره بکنند و جزء دستور بشود بعضی تقاضای دیگر هم شده است چند جلسه قبل هم عرض کردم که آقایان میان خودشان مذاکره بکنند و هر مطلبی را که می خواهند جزء دستور بشود خودشان یعنی مخبرین کمسیونها بنویسند و اقلاً (۱۵) نفر تقاضا بکنند و بعد بیایند بهیئت رئیسه که در آنجا ملاحظه شده جزء دستور بشود.

معاون وزارت پست - یزیشب گذشته و در جلسه سابق عرض کردم که کنترات مسیو مولتر جزء دستور بشود زیرا که تقریباً ۲ ماه است که از موعده کنترات اومی گذرد يك مرتبه جزء دستور آمده و رجوع شد بکمسیون بودجه کمسیون هم گویا موفق نشدند که اصلاحات خودشان را تا امروز راپورت داده باشند و بهمان دلیل که عرض کردم این کار خیلی فوریت دارد و ما نمی توانیم کار اداره ما را مرتب بکنیم استدها می کنم که این مطلب مثل سابق جزء دستور باشد تا این که هر وقت که راپورت داده شد فوراً مطرح بشود.

رئیس - کمسیون بودجه هنوز راپورت را نداده اند هر وقت راپورت دادند جزء دستور می شود.

ادیب التجار - تقاضا می کنم که در دستور شنبه بیاورید.

رئیس - چه چیز را؟

ادیب التجار - نظامنامه انتخابات را.

معزز الملك - آنکه هنوز نوشته نشده است **ادیب التجار** بنویسند خنده هم ندارد تقاضای دیگری هم داشتم در باب پرستاری که قرار بود از برای اعزام شاگردان بفرانک جزء دستور گذاشته شود چون هیچکاری ندارد تقاضا می کنم که جزء دستور بگذارید که زودتر بگذرد.

رئیس - ده نفر از آقایان که اصنامی ایشان هم خوانده می شود تقاضا کرده اند که بمذاختم مجلس جلسه خصوصی منعقد بشود (تقاضای مزبور بمضمون ذیل قرائت شد).

ما امضاء کنندگان ذیل تقاضا می نمایم که در آخر جلسه امر روزی بجهت پاره ای مذاکرات لازمه جلسه بطور خصوصی منعقد بشود.

معتمد التجاره آدینه محمدخان. ادیب التجار کاشف. معاضد السلطنه. هشترودی. معین الرعایا حاج محمد کریم خان. حاج مصدق الممالک. انتظام الحکماء. طباطبائی.

رئیس - عرض بکنم که تقاضای آقایان موافق قانون اساسی لازم الاجرا است ولی بنده برای این که رأی ندارم و مشروطیت را مخالف می دانم با جلسه سری و تمام مطالب عقیده ام این است که باید علناً در مجلس مذاکره بشود و این است که بنده در همچو مجلسی ریاست نخواهم کرد (از طرف اغلب نمایندگان تصدیق شد) [مجلس نیم ساعت از شب گذشته ختم شد].

جلسه ۲۳۷

صورت مشروح مذاکرات مجلس

روز شنبه ۲۰ شهر ربیع الثانی ۱۳۲۹

مجلس بریاست آقای مؤتمن الملك يك ساعت و نیم قبل از غروب آفتاب منعقد ۳ ساعت و ربع رسماً تشکیل شد.

آقای معاضد الملك صورت جلسه قبل را قرائت کردند.

(اسامی غائبین جلسه قبل از قرار ذیل قرائت شد) آقایان اسدالله خان و دهخدا بدون اجازه آقایان حاج شیخعلی - آقا صید محمد باقر ادیب با اجازه غائب بودند آقایان دکتر اسمعیل خان - ناصر الاسلام. ریک یکساعت و حاج آقا نیم ساعت بعد از وقت مقرر حاضر شدند.

آقا شیخعلی شیرازی - در صورت مجلس آقا شیخعلی را غائب نوشته بودند.

رئیس - حاج شیخعلی بود نه آقا شیخعلی **آقا شیخعلی** - خوبست من بعد ایشان را خراسانی و بنده را شیرازی بنویسند تا مشتبه نشود دیگر این که در اعتبار نامه نمایندگان گروس کمسیون رأی نداده بود خواستند از مجلس رأی بگیرند چون بنده اعتراض کردم فرار شد طبع و توزیع شود این را قید نکردند.

رئیس - در صورت مجلس هم همینطور نوشته شده ۲ مرتبه بخوانید (آنجزه از صورت مجلس ۲ مرتبه قرائت شد).

رئیس - جای اعتراض نیست دستور امروز لایحه استقراضیه فراداد راجع ببالصجات فراداد راجع به مسیو مولتر ولی عجلتاً در صندلی وزراء کسر را نمی بینم که دفع بکنند.

معزز الملك - چون این سه فقره که دستور امروز معین شده محتاج است بحضور وزراء و آنها حاضر نیستند لکن راپورت کمسیون بودجه راجع بورثه مورل از طرف وزارت مالیه تصویب شده و کمسیون بودجه هم تصویب کرده حضور وزیر مالیه را هم لازم ندارد مخبر کمسیون بودجه می تواند توضیحاتی اگر لازم باشد بدهد خوب است عجلتاً او را مطرح قرار بدهید بلکه امروز بگذرد.